

## بررسی قواعد و روش معرفت تاریخی در قرآن «با تکیه بر تاریخ پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در قرآن»

محمدعلی علی پور\*

### چکیده

هدف این مقاله، بیان تاریخ پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله نیست، هدف بیان قواعد روش معرفت تاریخی در قرآن کریم است. از این رو ابتدا چهار قاعده زیر بیان شده است:

- ۱- از نظر قرآن کریم همه حوادث گذشته بشر، حادثه تاریخی نیست (نظر شهید صدر)؛
- ۲- معیار تشخیص حادثه تاریخی، حاکمیت سنت‌های تاریخی بر آن حادثه است (استدلال شهید صدر)؛

۳- برخلاف نظریه فیلسوفان جدید تاریخ غرب (هیوم، پروفورکار و دیگران) که عقیده به نقش خدا در تاریخ نداشته و همه تاریخ را ملک بشر می‌دانند (نظریه تفویض در تاریخ) از نظر قرآن کریم خداوند برای هدایت بشر و پیروزی پیامبران الهی در مرحله ابلاغ رسالت، حوادث تاریخی خاصی به وجود می‌آورد (مانند گلستان شدن آتش بر ابراهیم و غرق شدن فرعون در دریا و نجات حضرت موسی و بنی اسرائیل)؛

- ۴- عدم تضاد قوانین تاریخی، مشروط به اراده و اختیار انسان‌ها در تاریخ.
- غزوه بدر در تاریخ پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله به عنوان نمونه‌ای برای تطبیق این قواعد ذکر شده و هدف، بیان تاریخ غزوه بدر نیست. ضمناً در جریان بررسی غزوه بدر در قرآن، دیدگاه مورخان اسلامی درباره این حادثه مطرح و تضاد آن دیدگاه با نظریه قرآن بیان شده است.

واژه‌های کلیدی: تاریخ در قرآن، قوانین تاریخی، تاریخ پیامبر اسلام، غزوه بدر، خداوند و تاریخ، امدادهای الهی و روش مطالعه تاریخ.

## مقدمه

مطالعه تاریخ پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در قرآن کریم در صورتی ممکن است که روش خاصی را به کار گرفت. تاریخ به صورت اشتراک لفظی در دو معنای متفاوت کاربرد دارد و هنگامی که لفظ تاریخ به کار می‌رود، ممکن است منظور گوینده، دانش تاریخ باشد که یک «علم» است یا حوادث و وقایع انسانی در گذشته که موضوع علم تاریخ است. منظور از لفظ تاریخ در عنوان این مقاله «معرفت تاریخ» می‌باشد. اما در متن مقاله، تاریخ به مفهوم و معنای «موضوع تاریخ» هم مورد بحث قرار می‌گیرد.

## ۱. تاریخ چیست؟

اولین سؤال این است که موضوع علم تاریخ چیست؟

پیش از ورود به بحث تاریخ پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در قرآن، باید تکلیف این سؤال مهم روشن شود، زیرا تعریف رایج میان مورخان مشهور، تعریفی عامیانه و به تعبیر پروفیسور کار «تعریف بدیهی تاریخ» است. به امرسون گفتند: تاریخ چیست؟ پاسخ داد: چه چیز تاریخ نیست؟<sup>۱</sup> این پاسخ، همان تعریف عامیانه تاریخ است که فیلسوفان علم تاریخ آن را نمی‌پذیرند و همه حوادث و وقایع گذشته را موضوع علم تاریخ یا حادثه تاریخی نمی‌دانند،<sup>۲</sup> بلکه از نظر آنان فقط بعضی از حوادث و وقایع گذشته، حوادث تاریخی است. از همین ره‌گذر است که کالینگ وود می‌کوشد تعریف و مفهومی نوین از تاریخ ارائه دهد.<sup>۳</sup> البته این امر هنوز صورت نگرفته و تعریف قابل قبول و مورد تأیید در حوزه معرفت تاریخی پدید نیامده است. براین اساس، ما

۱. علی شریعتی، اسلام‌شناسی، ص ۷.

۲. والش، مقدمه‌ای بر فلسفه تاریخ، ص ۳۴ و ای. ا. ج. کار، تاریخ چیست، ص ۱۳.

۳. کالینگ وود، کتاب مفهوم کلی تاریخ. با این‌که از مطالعه مطالب این کتاب به روشنی به دست می‌آید که منظور کالینگ وود ارائه مفهومی نوین از تاریخ است، اما روشن نیست که چرا «مفهوم کلی تاریخ» مشهور شده و با همین نام هم ترجمه شده است.

باید به صورت مستقل تعریف خاصی از قرآن کریم برای این شاخه از معرفت به دست آوریم.

### ۱-۱. نقد معیار «حادثه تاریخی»

برای گام نهادن در این راه، اولین کار، نقد «معیارهای حادثه تاریخی از سایر حوادث گذشته» می باشد که به وسیله فیلسوفان علم تاریخ ارائه شده است و من این کار را به فرصتی دیگر موکول می کنم. اما در هر حال باید تعریفی نوین و خاص از «تاریخ» به مفهومی که در قرآن کریم به کار می رود و با تکیه بر الفاظ خاص قرآنی ارائه کرد و سپس به توضیح این مباحث در قرآن کریم پرداخت.

آنچه آشکار و مسلم است تعریف مزبور نه تنها متفاوت با تعاریف رایج در «فرهنگ تاریخ بشری» است، بلکه در بعضی مراتب، متضاد با آن هم می باشد.

### ۱-۲. اسناد و مدارک تاریخی

باید به طور کامل و دقیق به این مسئله توجه داشت که اگر بعضی از حوادث و وقایع گذشته «حادثه تاریخی» باشند به دنبال آن بعضی از اسناد و مدارک هم «اسناد و مدارک تاریخی» خواهند بود و این امر می طلبد که اسناد و مدارک تاریخی موجود و مشهور، غربال شوند. و به دنبال آن راویان تاریخ و کسانی که «مورخ» نام گرفته اند، بازشناسی گردند. البته این کار را قبلاً ابن خلدون با موازین خاصی انجام داده و مورخان را به سه دسته «پلید، مقلد و ائمه» تقسیم کرده است.<sup>۱</sup>

### ۱-۳. نقد انواع تاریخ نگاری ها

اگر کتاب های تاریخی که به دست مورخان نوشته شده نقادی و بررسی گردد و فقدان اعتبار علمی و معرفتی آنها اثبات شود، ذهن آدمی با آمادگی کامل به سراغ درک معنا و مفهوم تاریخ در قرآن کریم می رود و در جست و جوی دستیابی به معارفی مشابه آنچه در کتاب های تاریخ آمده در قرآن کریم بر نمی آید، تلاش و قیاسی که بعضی افراد انجام داده و

۱. محسن مهدی، فلسفه تاریخ ابن خلدون، ص ۱۹۰.

نامه تاریخ پژوهان / سال دوم و سوم، ش ۸ و ۹، زمستان ۸۵ و بهار ۸۶

به‌عنوان نتیجه اعلام داشته‌اند که در قرآن کریم معرفتی به‌نام «معرفت تاریخی» وجود ندارد. این قبیل نقادی‌ها از کتاب‌های تاریخ‌نویسان توسط معدود افرادی صورت گرفته و والش در کتاب در آمدی بر فلسفه تاریخ با طرح سؤال «علل عدم توافق میان تاریخ‌نویسان» آن‌ها را نقد و بررسی می‌نماید.<sup>۱</sup>

آشنایی با این نقادی‌های عالمانه، ذهن محقق را آماده می‌سازد که در جست‌وجوی معنا و مفهوم خاص قرآن کریم از «معرفت تاریخی» در این کتاب آسمانی برآید.

#### ۱-۴. مفهوم نوین تاریخ

در صورت طی مراحل فوق و دستیابی به تعریفی خاص از این معرفت مفید که نام «تاریخ» به خود گرفته و در گذشته ملقب به این لقب خاص نبوده است، نه تنها دریچه‌ای، بلکه دری بزرگ به روی قرآن پژوه گشوده می‌شود و درپایی از معارف خاص می‌یابد که نام خاص خود را نیز همراه دارد. و خداوند نه تنها مردم را دعوت نموده که با این شاخه معرفت آشنا شوند، بلکه یکی از رسالت‌های همه پیامبران خود را آموزش آن قرار داده است:

وَذَكِّرْهُمْ بِأَيَّامِ اللَّهِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّكُلِّ صَبَّارٍ شَكُورٍ<sup>۲</sup> و روزهای خدا را بیاد آور که این یاد آوری بر هر شخصی که دُر بلا و نعمت، صبور و شکرگزار است دلایل روشنی خواهد بود.

#### ۲. ویژگی‌های معرفت تاریخی

از آن‌جا که مورخان تاکنون تعریف عامیانه تاریخ را پذیرفته و گفته‌اند که تاریخ، یعنی گذشته و حوادث و وقایعی که در گذشته اتفاق افتاده است، در صدد بیان ویژگی‌های معرفت تاریخی برنیامده‌اند. «تاریخ» در این تعریف یک ویژگی دارد و آن هم «زمان گذشته» است و

۱. والش، در این باره به تفصیل بحث کرده و می‌نویسد که چهار عامل موجب عدم توافق تاریخ‌نویسان می‌باشد: ۱- تعصبات شخصی مورخ، ۲- تعصبات گروهی، سیاسی و اجتماعی مورخان، ۳- تعصبات فلسفی و مذهبی تاریخ‌نویسان، ۴- فرضیه‌های متناقض در زمینه تفسیر تاریخ که ممکن است هر یک از آنان با تئوری تاریخی خاصی به تحلیل و تفسیر و تألیف تاریخ بپردازند (والش، همان، ص ۱۱۱-۱۲۰).  
۲. ابراهیم (۱۴) آیه ۵.

معرفت تاریخی هم دانشی است که موضوع آن این قبیل حوادث می باشد و از نوع معارف «نقلی» به حساب می آید. بدین ترتیب، معرفت تاریخی فقط واجد ویژگی های زیر است:

۱- به گذشته می پردازد و با حال و آینده ارتباطی ندارد؛

۲- نقلی است و به اسناد و مدارک و روایات تکیه دارد؛

۳- جزئی است و زیر مجموعه هیچ یک از علوم تجربی یا عقلی قرار نمی گیرد.<sup>۱</sup>

اگر تاریخ جزء علوم عقلی باشد و معرفتی به نام «فلسفه نظری تاریخ» وجود داشته باشد، معرفت تاریخی ویژگی های علوم عقلی را خواهد داشت. و اگر تاریخ جزء علوم تجربی باشد و معرفتی به نام «تاریخ علمی» داشته باشیم - به گونه ای که فیلسوفان علم تاریخ مانند همپل و پوپر ادعا می کنند - معرفت تاریخی ویژگی های معرفت علوم تجربی را دارد. اما اگر هیچ یک از این انواع معرفت تاریخی قابل اثبات و دفاع نباشد و به ادعای پیروان دیلتای، ثنویت همیشگی میان علوم انسانی، از جمله تاریخ با علوم تجربی همواره برقرار باشد، در این صورت، ویژگی های معرفت تاریخی منحصر به دانش تاریخ می گردد.<sup>۲</sup> با این همه اگر معرفت نوین تاریخ مطرح شود و به خصوص مباحث قرآنی مربوط به این موضوع تبیین گردد، در این صورت «معرفت تاریخی» واجد هیچ یک از ویژگی های فوق نیست و ویژگی هایی را دارد که معارف قرآنی از آن برخوردارند.

### ۳. مبانی علم تاریخ در قرآن

#### ۳-۱. اصطلاحات قرآنی «تاریخ»

قرآن کریم معرفت تاریخی و «دانش تاریخ» را با دو اصطلاح نبأ و انباء و همچنین قصه و

۱. این ویژگی ها را شهید مطهری برای تاریخ نقلی بیان کرده اند (شهید مطهری، جامعه و تاریخ، ص ۷۰-۷۲).

۲. در مباحث مربوط به فلسفه علوم انسانی دو نظریه معروف وجود دارد، یکی وحدت علوم انسانی و علوم تجربی که به نظریه قانون فراگیر «همپل - پوپر» معروف است و دیگری ثنویت علوم انسانی و علوم تجربی که دیلتای و پیروان وی بر آن صرار می ورزند (برای اطلاع بیشتر در این مورد ر.ک: کارل پوپر، فکر تاریخیگری؛ ژولین فروند، آرا و نظریه ها در علوم انسانی؛ پل ادواردز، فلسفه تاریخ و استفورد، درآمدی بر فلسفه تاریخ).

قصص بیان می‌فرماید و و برای بیان موضوع علم تاریخ از اصطلاح یوم، ایام و ایام‌الله بهره می‌جوید، از این رو واژه «تاریخ» در هیچ‌یک از معانی خود در قرآن کریم استعمال ندارد. مطالعه معنایی این واژه‌ها فرصتی مناسب می‌طلبد.

اما در مورد اصطلاح «یوم» به معنای «حادثه تاریخی»، به بیان علامه طباطبایی در این باره اکتفا می‌شود. ایشان ذیل آیه شریفه «و تلك الايام نداولها بين الناس...»<sup>۱</sup> می‌فرماید: یوم، ظرف زمان است و به مقداری از ظرف زمان که یک حادثه در آن به وقوع می‌پیوندد می‌گویند، و این بر اساس قاعده علاقه ظرف و مظروف است که نام ظرف به مظروف داده می‌شود. بنابراین، یوم نام «ظرف» است که به «مظروف»، یعنی حادثه واقع شده در ظرف زمان داده شده است. بر این اساس، «یوم» به معنای «حادثه» و «ایام» به معنای «حوادث» خواهد بود.<sup>۲</sup> و معنای آیه به جای این که «گردش روزها بین مردم باشد»، گردش شکست و پیروزی در بین مردم است. این آیه، مربوط به غزوه احد است و یکی از دلایل شکست مسلمانان را در این جنگ بیان کرده است.

### ۲-۳. معرفت تاریخی در قرآن کریم

در مقاله «تاریخ، تعاریف و معانی» آورده‌ام که دانش تاریخ به پنج نوع نقلی، تحلیلی، علمی، فلسفی و فلسفه علم تاریخ تقسیم می‌شود.<sup>۳</sup> اما نکته مهم این است که «معرفت تاریخی قرآن» زیر مجموعه هیچ یک از این انواع دانش تاریخ نیست. معرفت تاریخی قرآن، مانند سایر معارف قرآنی، هدایت‌گر است و «علم الايام» یا «علم تاریخ» نیز از انواع معارف هدایت‌گر انسان می‌باشد و شاخه نوینی از انواع دانش تاریخ به حساب می‌آید. مرحوم شهید صدر در این باره می‌نویسد:

برخی فکر می‌کنند که ما نباید از قرآن، انتظار بحث قوانین تاریخی را داشته باشیم،

۱. آل عمران (۳) آیه ۱۴۰.

۲. سید محمد حسین طباطبایی، تفسیر المیزان، ج ۷، ص ۴۶.

۳. محمد علی علیپور، «تاریخ، تعاریف و معانی» مجله حوزه و دانشگاه، سال یازدهم، بهار ۱۳۸۴، شماره مسلسل ۴۲، ص ۱۳.

همان‌گونه که انتظار بحث در قوانین طبیعی، کیهانی، اتمی و گیاهی را نداریم. قرآن کتاب هدایت است ... و فرود آمده تا مردم را از تاریکی‌ها بیرون آورده به نور برساند ... اما یک فرق اساسی بین زمینه‌های علمی تاریخ و زمینه‌های سایر علوم جهان وجود دارد ... بحث در قوانین تاریخ، رابطه شدیدی با قرآن کریم به عنوان کتاب هدایت دارد.<sup>۱</sup>

بنابراین، قرآن کریم کتاب هدایت است و علم تاریخ به گونه‌ای که قرآن کریم مطرح می‌نماید، علم هدایت انسان‌هاست.

خلاصه این که قوانین تاریخی قرآن کریم نه از نوع قوانین فلسفی است، نه از نوع قوانین علمی - تجربی، بلکه معرفت خاصی است که قوانین خاص حیات انسانی را دارد. منابع تاریخ از دیدگاه قرآن کریم با اسناد و منابع تاریخی در فرهنگ تاریخ انسان‌ها متفاوت است تا جایی که خداوند در قرآن کریم حوادث و وقایع خاصی را برای هدایت بشر بیان می‌نماید و یکی از رسالت‌های پیامبران را ذکر ایام الله می‌داند.

### ۳-۳. تفخیم حوادث در قرآن بر مبنای سنن

در میان مورخان مرسوم است که حوادث و وقایع تاریخی را بر محور زمان و با رعایت تقدّم و تأخّر زمانی حوادث می‌نویسند و این عامل نزد بعضی مورخان به اندازه‌ای اهمیت یافته که معیار تفاوت تاریخ از اسطوره به حساب می‌آید تا جایی که گفته‌اند در اسطوره، زمان و مکان و پدیدآوردگان حادثه مشخص نمی‌باشد، اما در تاریخ، زمان وقوع حادثه، مکان وقوع آن و پدیدآوردگان حادثه، همه با نام معلوم و مشخص است. یکی از نویسندگان در این باره می‌نویسد:

افسانه و قصه، ادبیات ابتدایی و پیشین بشر است ... در افسانه و قصه، زمان و مکان رعایت نمی‌شود و ممکن است گاهی شخصیت‌ها نیز وجود خارجی نداشته باشند یا درباره آن‌ها مطالب اغراق‌آمیز گفته شود و گاه کاهی را کوهی و کوهی را کاهی نمایند. اما در تاریخ باید زمان، مکان و اشخاص مشخص باشند و اگر زمان و

۱. ر.ک: شهید صدر، سنت‌های تاریخی در قرآن، ص ۱۱۰-۱۱۷.

مکان درست نباشد و اشخاص وجود خارجی نداشته باشند، آن‌گاه افسانه‌های تاریخی خواهند بود... نگاهی به تورات و قرآن کریم و تاریخ منسوب به هرودت و شاهنامه نشان می‌دهد که تاریخ با قصه و داستان‌های دینی، ملی و تاریخی آمیخته است.<sup>۱</sup>

اکنون فرصت نقد این دیدگاه در باره «معیار تاریخ» نیست، اما در مورد دیدگاه این نویسنده در باره قرآن کریم و سایر افرادی که مانند او می‌اندیشند، باید گفت که قرآن کریم هنگام بیان تاریخ پیشینیان، زمان وقوع حادثه، مکان آن و پدیدآوردگان حادثه را ذکر نمی‌کند. مثلاً زمان وقوع غزوه بدر را نمی‌گوید، مکان آن را مشخص نمی‌نماید و تعداد سپاهیان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و ابوجهل و شخصیت‌های حاضر در دو سپاه را نام نمی‌برد، اما سوره انفال را به غزوه بدر اختصاص داده است. این امر به معنای فقدان نظم تاریخی در قرآن کریم نیست، بلکه قرآن کریم نظم خاصی دارد و تمامی موجودات و وقایع تاریخی پیامبران و اقوام پیشین و هم‌چنین تاریخ پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را در قالب نظم قوانین و سنن تاریخی بیان می‌نماید.

#### ۴. تاریخ پیامبران در قرآن

در فعالیت پیامبران الهی دو جنبه مهم «ابلاغ رسالت» و «اجرای شریعت» وجود دارد. در بُعد ابلاغ رسالت، پیامبران دین خدا را به مردم ابلاغ می‌کنند و احکام الهی را به اطلاع و آگاهی آنان می‌رسانند و از مردم می‌خواهند که به دین خدا و شریعت الهی ایمان بیاورند، و در مرحله اجرای شریعت، مردم موظف هستند به آن‌چه ایمان آورده‌اند، عمل نمایند و دین خدا را تحقق بخشند. ابلاغ رسالت و اجرای شریعت، تفاوت‌های بسیار و اساسی با یکدیگر دارند. اولین و مهم‌ترین آن‌ها این است که پیامبران در ابلاغ رسالت پیروز هستند و هرگز شکست نمی‌خورند. آیت‌الله جوادی آملی در این باره می‌نویسند:

وقتی معجزه‌ای ظهور کرد و طاغیانی در برابر آن ایستادند، به حیاتشان خاتمه داده می‌شود. این را خداوند به عنوان یک اصلی کلی بیان می‌فرماید.

۱. مجید یکتایی، تاریخ‌شناسی، ص ۱۱.



ایشان پس از ذکر چهار آیه به عنوان نمونه می‌نویسند:

اصل کلی که به عنوان یک سنت قطعی در جریان نبوت عامه مطرح است این است که هر پیامبری معجزه می‌آورد، اگر اهل استکبار بعد از معجزه در برابر او ایستادند، استحقاق وعید را دارند؛ هم وعید دنیا و هم وعید آخرت، و سرانجام محکوم خواهند شد و لذا فرمود: «كُلُّ كَذِّبِ الرُّسُلِ فَحَقَّ وَعِيدٌ»<sup>۱</sup> و در نتیجه، انبیا پیروز می‌شوند.<sup>۲</sup>

این امر را در بینش تاریخی قرآن کریم اصطلاحاً نصرت قطعی پیامبران می‌نامیم. البته پیامبران در اجرای شریعت شکست می‌خوردند و بعضاً به شهادت می‌رسیدند یا این‌که در بعضی نبردها که مسئولیت انجام جهاد بر دوش مردم بود، مانند غزوه احد در دوره پیامبر اسلام ﷺ یا ورود به سرزمین موعود در دوره حضرت موسی علیهِ السَّلَام و سرپیچی مردم از امر جهاد، شکست می‌خوردند.

شهید صدر در کتاب سنت‌های تاریخ در قرآن انواع قوانین تاریخی را به دو دسته قطعی و مشروط تقسیم می‌نماید. می‌توان گفت که قوانین قطعی به ابلاغ رسالت مربوط است و قوانین مشروط، حوادث دوره اجرای شریعت را شامل خواهد شد.

اما در مورد تاریخ پیامبر اسلام ﷺ در قرآن کریم باید گفت که بررسی تاریخ آن حضرت باید با توجه به دو جنبه ابلاغ رسالت و اجرای شریعت، مطالعه شود، آن‌گاه مشخص خواهد شد که پیامبر اکرم ﷺ در همه حوادث مربوط به ابلاغ رسالت، پیروز، و مسلمانان در همه حوادث مربوط به اجرای شریعت، شکست خوردند، به‌ویژه در اجرای حکم ولایت که در حادثه عظیم غدیر خم نازل شد و مسلمانان پس از رحلت پیامبر اکرم ﷺ در اجرای آن کوتاهی نموده و این حکم الهی را زیر پا نهادند.

در این مقاله فقط غزوه بدر در قرآن کریم را بررسی می‌نماییم و بقیه حوادث مربوط به تاریخ آن حضرت را به فرصتی دیگر وا می‌گذاریم.

۱. ق (۵۰) آیه ۱۴.

۲. عبدالله جوادی آملی، تفسیر موضوعی قرآن، ج ۶ ص ۱۴۷-۱۴۸.

## ۵. غزوه بدر از دیدگاه مورخان

از مطالعه سوره انفال و مباحث مهم آیات این سوره مبارکه که درباره غزوه بدر نازل شده، پاسخ چهار سؤال و مسئله اساسی به دست می آید.

۱- دلیل وقوع غزوه بدر؛

۲- علل پیروزی اسلام در غزوه بدر؛

۳- موقعیت کفار قریش در جنگ بدر؛

۴- موقعیت مسلمانان در غزوه بدر.

محققان و مورخان که درباره غزوه بدر مقاله یا کتابی نوشته‌اند پاسخ این سؤال‌ها را ارائه داده‌اند. با مقایسه پاسخ مورخان و دلایل قرآنی، تفاوت تاریخ‌نگاری انسانی با بینش تاریخی قرآن معلوم می‌شود و ضمناً محققان قرآنی را راهنمایی می‌نماید که چگونه براساس موازین و قواعد قرآنی تاریخ بنویسند.

در کتاب‌های تاریخی در خصوص دلیل وقوع غزوه بدر و هدف مسلمانان از این حمله آمده است: رسول خدا ﷺ خبر یافت که ابوسفیان به همراه سی یا چهل نفر از قریش از شام بر مکه برمی‌گردد پس به اصحاب خویش چنین گفت: «این کاروان قریش و حامل اموال ایشان است، به سوی آن رهسپار شوید، باشد که خدا آن را نصیب شما گرداند». و در بعضی منابع آمده است: «باشد خدا گشایشی در کار شمار ایجاد نماید». بنابراین، هدف از جنگ بدر را دستیابی به اموال قریش در کاروان ابوسفیان بیان کرده‌اند یا تهدید اقتصادی قریش که دست از آزار مسلمانان و مصادره اموال آنان در مکه بردارند.

اما ابوسفیان که از حمله پیامبر به کاروان آنان مطلع شده بود ضمضم بن عمرو غفاری را اجیر کرد و به مکه فرستاد و با رسیدن ضمضم که قریش را به فریادرسی کاروان تجارتی‌شان می‌خواند، همه، هم‌داستان آماده بیرون رفتن و دفاع از مال خویش شدند.

سپاه پیامبر ۳۱۳ نفر بودند (۸۲ مهاجر، ۶۱ اوسی و ۱۷۰ خزرجی) و سه اسب و هفتاد شتر بیشتر نداشتند. اما سپاه ابو جهل، ۹۵۰ مرد جنگی که شش صید نفر زره پوش و صد اسب و

هفت صد شتر داشتند و یک روز ده شتر و روزی نه شتر برای خوراک سپاه، ذبح می‌کردند.

#### ۵-۱. علل پیروزی غزوه بدر از دیدگاه مورخان

منابع اصلی تاریخ اسلام و منابع تحقیقی و تحلیلی، علت پیروزی غزوه بدر را دو عامل می‌دانند: یکی، ایمان و شهادت‌طلبی مسلمانان و دیگری، تلاش‌های استراتژیک و تسلط بر منطقه سوق‌الجیشی منطقه بدر و دستیابی بر چاه‌های آب آن منطقه. در مورد تسلط بر منطقه بدر گفته شده است:

قریش هم‌چنان با عده و عده‌ای که داشتند به طرف بدر پیش می‌آمدند تا در «عدوه قصوی»، یعنی کناره وادی «لیل» که دورتر از مدینه بود، در پشت تپه «عقنقل» فرود آمدند. و چاه‌های بدر در «عدوه دنیا» یعنی آن طرف وادی که نزدیک‌تر به مدینه بود، قرار داشت. در همان شب، بارانی رسید که زمین‌شن‌زار غیر قابل رفت و آمد را برای مسلمانان محکم ساخت و زمین زیر پای قریش را از بسیاری آب باران غیر قابل عبور ساخت و در نتیجه، رسول خدا پیش‌دستی کرد و در کنار نزدیک‌ترین چاه بدر فرود آمد. حباب بن منذر بن جموح گفت: ای رسول خدا! آیا خدا فرموده است که در این‌جا منزل کنیم و پیش و پس نرویم یا از نظر تدبیر جنگ هر جا شایسته باشد می‌توان فرود آمد؟

رسول خدا ﷺ گفت: «نه امری در کار نیست، باید طبق تدبیر و سیاست جنگ رفتار کرد». حباب گفت: اگر چنین است این‌جا جای مناسبی نیست، بفرمای تا سپاه اسلامی پیش روند و در کنار نزدیک‌ترین چاه دشمن فرود آییم و آن‌گاه چاه‌های دیگر را از بین ببریم و بر سر چاهی که فرود آمده‌ایم حوضی بسازیم و پر از آب کنیم و سپس با دشمن بجنگیم و دستشان را از آب کوتاه کنیم.

رسول خدا ﷺ پیشنهاد وی را پذیرفت و دستور داد تا سپاهیان اسلام در کنار نزدیک‌ترین چاه به دشمن فرود آمدند و آن‌گاه فرمود تا دیگر چاه‌ها را انباشتند و بر سر همان یک چاه حوضی ساخته، پر از آب کردند.

اما به تصریح ابن‌اسحاق هنگامی که قریش نزدیک آمدند و خواستند از حوض آب



بنوشند، رسول خدا ﷺ فرمود: «از ایشان جلوگیری نکنید».

درباره موقعیت کفار قریش در جنگ بدر می‌نویسند که آنان دو گروه بودند: عده‌ای تمایل به جنگ نداشتند و خواهان بازگشت به مکه بودند و گروهی هم که در رأس آنان ابوجهل قرار داشت، به‌رغم دریافت پیام ابوسفیان که کاروان سالم به مکه رسیده خواهان جنگ و نشان دادن ضرب شست به مسلمانان بودند و بر وقوع جنگ اصرار داشتند.

موقعیت مسلمانان هم مشخص است؛ بعضی شهادت طلب بودند، چنان‌که مقداد به پیامبر اکرم ﷺ عرضه داشت اگر به ما فرمان دهی، تا اعماق دریای سرخ خواهیم رفت. هم‌چنین سعد بن معاذ به‌عنوان رئیس انصار، اطاعت خود و انصار را از پیامبر اکرم ﷺ اعلام داشت. بعضی هم خواستار بازگشت به مدینه و تجهیز مجدد لشکر برای رویارویی با سپاه ابوجهل بودند. اما به هر حال، تسلیم پیامبر اکرم ﷺ شدند و برای جنگ به سوی بدر حرکت کردند.

در میدان نبرد هم روز هفدهم ماه رمضان سال دوم هجری ابتدا نبرد تن به تن داشتند، سپس حمله عمومی آغاز شد، مجاهدان اسلام در قلب سپاه دشمن فرو رفتند و در پایان روز با کشتن هفتاد تن از بزرگان قریش و اسارت هفتاد تن دیگر پیروز شدند و سپاه اسلام هم چهارده شهید تقدیم اسلام نمود.<sup>۱</sup>

## ۶. غزوه بدر در قرآن

قرآن کریم دیدگاه کاملاً متفاوتی با آنچه مورخان گفته‌اند دارد، به حدی متفاوت که گاه در تضاد کامل با آن مطالب است.

### ۶-۱. دلیل وقوع غزوه بدر

عامل اصلی وقوع غزوه بدر، مشیت خاصه خداوند سبحان بود. البته اگر خداوند را عامل

۱. مطالب مذکور در منابع ذیل موجود است: محمد بن عمر واقدی، مغازی، ص ۱۴-۱۲۴؛ جلال الدین فارسی، پیامبر و جهاد، ص ۸۹-۱۹۵؛ علی شریعتی، «از هجرث تا وفات»، مجموعه مقالات محمد خاتم پیامبران، ج ۶، ص ۲۸۰-۲۸۸؛ محمد ابراهیم آیتی، تاریخ پیامبر اسلام، ص ۲۰۳-۲۲۵؛ محمد حمیدالله، رسول اکرم ﷺ در میدان جنگ، ص ۴۴-۷۰؛ دکتر طه حسین، آئینه اسلام، ترجمه محمد ابراهیم آیتی، تهران، انتشارات رسالت، چاپ دوم: ۱۳۴۶، ص ۵۵ و همه منابعی که درباره غزوه بدر یا تاریخ اسلام نوشته شده‌اند این مطالب را آورده‌اند.

ایجاد یک حادثه در تاریخ بشر بدانیم با اعتراض شدید مورخان روبه‌رو خواهیم شد. از زمان دیوید هیوم به بعد که به مخالفت با دخالت معجزات در حوادث تاریخ پرداخت، دیگر مورخی جرأت ندارد که وقوع حادثه‌ای را به «مشیت خاصه» خداوند نسبت دهد. البته به اصل مشیت الهی در تاریخ عقیده دارند، همان‌گونه که وقوع حوادث طبیعی را بر اساس مشیت عامه الهی و طبق نظام علی و معلولی می‌دانند، اما مشیت خاصه خداوند در تاریخ و این که حادثه خاصی به اراده خداوند به وقوع پیوسته باشد را نمی‌پذیرند. پروفیسور کار در این باره می‌نویسد:

مورخ جدی می‌تواند قائل به خدایی باشد که مسیر کلی تاریخ را نظم و معنا داده، اما نمی‌تواند به خدای عهد عتیق که در کشتار عمالقه دخالت می‌کند یا به نفع سپاه یوشع در تقویم قلب کرده ساعات روز را ممتد می‌سازد، اعتقاد داشته باشد. هم‌چنین مورخ نمی‌تواند برای توضیح حوادث تاریخی خاصی به خدا استناد جوید.<sup>۱</sup>

البته اگر از دستور العمل پروفیسور کار تبعیت کنیم نمی‌توانیم بپذیریم که آتش نمرودیان بر ابراهیم خلیل علیه السلام گلستان شده است، چون خداوند در خاصیت آتش قلب کرده و آن را بر ابراهیم گلستان نموده، و نباید پذیرفت که عصای چوبی موسی علیه السلام در خصوص فرعون به اژدها تبدیل شده؛ چون خداوند قلب کرده، چوبی خشک را به جان‌داری قدرت‌مند تبدیل کرده است. و همین‌گونه بقیه معجزاتی که قرآن کریم درباره پیامبران الهی نقل فرموده است. اما اگر با بینش تاریخی قرآن سراغ حوادث تاریخی برویم خواهیم دید که در بخشی از تاریخ انسان‌ها قوانین قطعی خداوند حاکم است و در جنبه ابلاغ رسالت، خداوند پیامبرانش را بر مشرکان پیروز می‌فرماید. در مورد غزوه بدر با صراحت فرموده است که هدف از وقوع این غزوه، قطع نسل مشرکان بوده که دیگر نتوانند همانند دوران مکه علیه آیین اسلام تلاش و کوشش کنند. و می‌فرماید:

وَأُتِرِدُ اللَّهُ أَنْ يُحَقِّقَ الْحَقَّ بِكَلِمَاتِهِ وَيَقَطِّعُ دَابِرَ الْكَافِرِينَ؛<sup>۲</sup> و خداوند می‌خواست که با کلمات خود (با وعده‌هایی که از ازل در لوح محفوظ نگاشته) حق را ثابت و

۱. ای. ا. ج. کار، همان، ص ۱۰۹.

۲. انفال (۸) آیه ۷.

استوار سازد و ریشه و دنباله را قطع نماید.

— لِيُحِقَّ الْحَقَّ وَيُبْطِلَ الْبَاطِلَ وَلَوْ كَرِهَ الْمُجْرِمُونَ؛<sup>۱</sup> تا حق را پا بر جا کند و باطل را نابود سازد هر چند گنه کاران کراهت داشته باشند.

علامه طباطبایی در خصوص مشیت خداوند متعال درباره غزوه بدر می نویسد:

خداوند می خواست بالشکریان ایشان روبه رو شوید و او شما را بر ایشان غلبه دهد و بدین وسیله، قضای او مبنی بر ظهور حق و استیصال کفار و ریشه کن شدن ایشان به کرسی بنشیند.<sup>۲</sup>

علاوه بر این، مسلمانان از درگیر شدن با قریش، حتی با کاروان تجاری ابوسفیان هم گریزان بودند و مایل به هیچ نوع درگیری نظامی با مکه نبودند. این وضعیت روحی آنان را خداوند در سوره انفال بیان می فرماید:

كَمَا أَخْرَجَكَ رَبُّكَ مِنْ بَيْتِكَ بِالْحَقِّ وَإِنَّ فَرِيقًا مِنَ الْمُؤْمِنِينَ لَكَارِهُونَ \*  
يُجَادِلُونَكَ فِي الْحَقِّ بَعْدَ مَا تَبَيَّنَ كَأَنَّمَا يُسَاقُونَ إِلَى الْمَوْتِ وَهُمْ يَنْظُرُونَ؛<sup>۳</sup>

چنانکه خدا تو را از خانه خود به حق بیرون آورد، حال آنکه گروهی از مؤمنان کراهت داشتند \* (مردم نادان) در حکم حق و طاعت خدا، با آن که حق آشکار و روشن گردید، با تو جدل و نزاع خواهند کرد (و چنان حکم حق و طاعت خدا بر آنها دشوار و سخت است) که گویی می نگرند که آنها را به جانب مرگ می کشند.

استاد سید جعفر مرتضی عاملی، پس از نقل قول مورخانی که دلیل عدم حضور عده‌ای از مسلمانان را در مدینه برای غزوه بدر، گمان آنان بر این که درگیری واقع نخواهد شد، دانسته‌اند، می نویسد:

بلی آنان حقیقتاً از بیرون رفتن خوشحال نبودند به دلیل آن که می گفتند قریش بعد از آن ساکت نمی نشینند و انتقام مسئله‌ای به این بزرگی را خواهند گرفت. بنابراین، کسانی که می گویند دلیل مخالفت بعضی‌ها عدم احتمال درگیری و وقوع جنگ بود.

۱. همان، آیه ۸.

۲. سید محمد حسین طباطبایی، همان، ج ۱۷، ص ۳۲.

۳. انفال (۸) آیه‌های ۵ و ۶.



- و گرنه شرکت می نمودند، درست نیست، زیرا قرآن کریم صریحاً می فرماید اینان بعد از روشن شدن حق زیر بار نرفتند و این کوششی است که طرف داران آنان جهت عذر تراشی انجام داده اند، اگر چه این دست و پا زدن ها غیر معقول و غیر قابل مقبول بود.<sup>۱</sup>

آیات دیگری که نشان دهنده مشیت خاصه خداوند در غزوه بدر می باشد، در مباحث بعدی بیان خواهد شد. بنابراین، دلیل وقوع غزوه بدر و بخشی از اهداف آن که «قطع دابر» مشرکان بوده، مشخص گردید.

#### ۶-۲. نقد دیدگاه مورخان درباره علل پیروزی غزوه بدر

مورخان علل پیروزی مسلمانان را تسلط بر منطقه سوق الجیشی چاه های بدر و نیز ایمان و شهادت طلبی سپاهیان اسلام دانسته اند، اما با مطالعه آیات قرآن کریم مشخص می شود که نه چاه های آب بدر در دست مسلمانان بوده و نه همه سپاهیان، با ایمان و شهادت طلب بوده اند، بلکه بیشتر آنان برخلاف فرمان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله عمل کرده و به دنیا طلبی روی آوردند.

منابع تاریخی به اتفاق ذکر کرده اند که مسلمانان با نقشه قبلی در منطقه بدر فرود آمدند و چاه های آب را تصرف کردند و از نظر استراتژیکی بر اوضاع منطقه مسلط شدند.

اما آیاتی از قرآن کریم که درباره این غزوه نازل شده، عکس آن را اثبات می نماید؛ به این معنا که فرود آمدن مسلمانان و مشرکان در منطقه بدر روی قرار قبلی و حساب شده نبود، بلکه مشیت خاصه الهی آنان را به شکلی خاص در منطقه قرار داد. روایت مشهور حباب بن منذر درباره موضع گیری مسلمانان و تسلطشان بر چاه های بدر را قبل از این بیان کردیم، اما قرآن کریم در این باره می فرماید:

إِذْ أَنْتُمْ بِالْعُدْوَةِ الدُّنْيَا وَ هُمْ بِالْعُدْوَةِ الْقُصْوَى؛ وَ الرِّكْبُ أَسْفَلَ مِنْكُمْ وَلَوْ تَوَاعَدْتُمْ لِاخْتِلَافِئُمْ فِي الْمِيعَادِ وَ لَكِنْ لِيَقْضِيَ اللَّهُ أَمْرًا كَانَ مَفْعُولًا لِيَهْلِكَ مَنْ

۱. سید جعفر مرتضی عاملی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، ج ۳-۴.

هَلَكَ عَنِ بَيْتِهِ وَ يَحْيَى مَن حَيٌّ عَن بَيْتِهِ وَ إِنَّ اللَّهَ لَسَمِيعٌ عَلِيمٌ؛<sup>۱</sup> بیاید آورید آن روزی را که شما در منطقه مرتفع نزدیک تری و ایشان در بلندی دورتری قرار داشتند. قافله ابوسفیان پایین تر از شما بود، اگر برخورد به این صورت را قبلاً قرار داد می کردید، اختلاف می کردید (یعنی به این شکل آرایش نظامی صورت نمی گرفت) و لیکن خداوند چنین پیش آورد تا بگذارند آن امری را که شدنی بود، برای این که هلاک شود هر<sup>۲</sup> که هلاک می شود از روی بینش، و زنده شود هر که زنده می گردد از روی بینش و همانا خداوند شنوای داناست.

#### تفسیر آیه

«روز بدر آن روزی بود که شما در قسمت پایین وادی، اردو زده و کفار در قسمت بالایی آن اطراق کرده بودند و پیاده شدن شما در پایین، و کفار در بالا با هم جور در آمد، به طوری که اگر می خواستید قبلاً قرار داد کنید که شما این جا و آنان آن جا را لشکرگاه کنند قطعاً اختلافتان می شد و هرگز موفق نمی شدید که این گونه جبهه سازی کنید. پس قرار گرفتن شما و ایشان به این گونه نه از ناحیه فکر شما بود و نه از ناحیه کفار، بلکه امری شدنی بود که خداوند بر آن قضا راند و اگر این چنین قضا راند، برای این بود که با ارائه یک معجزه و دلیل روشن، حجت خود را تمام کند.

جمله «وَلَوْ تَوَاعَدْتُمْ لِاخْتَلَفْتُمْ فِي السِّعَادِ»، بیان این معناست که فرود آمدن مؤمنان در عدوة الدنيا و مشرکان در عدوة القصوى روی قرار قبلی و با مشورت صورت نگرفته بود. سیاق جمله های این آیه و آیه پیش از آن، همه شواهدی است از مسئله مورد بحث و آن این که برخورد به این صورت، جز مشیت خدای سبحان نبوده است.<sup>۲</sup>

با توجه به این آیه و تفسیر استاد علامه طباطبایی این امر مسلم شد که فرود آمدن مسلمانان در منطقه بدر از روی قرار قبلی نبوده است و برای نقد روایت حباب بن منذر لازم نیست که آن را تقطیع کنند، به گونه ای که بعضی علمای شیعه انجام داده اند یا این که ضمیمه ای

۱. انفال (۸) آیه ۴۲.

۲. سید محمد حسین طباطبایی، همان، ص ۱۴۵-۱۴۶. تأکید روی جمله ها از نگارنده است.





به انتهای آن بیفزایند که در نمونه دکتر آیتی ذکر گردید، بلکه این آیه نشان می‌دهد که اصلاً مشورتی در این مورد خاص صورت نگرفته و روایت حباب بن منذر از بیخ و بن جعلی است.

علاوه بر این، آیه ۱۱ سوره انفال نشان می‌دهد که چاه‌های بدر در دست مشرکان بوده و مسلمانان در منطقه‌ای بی‌آب و شن‌زار فرود آمده بودند.

إِذْ يُغَشِّكُمُ النُّعَاسُ أَمَنَةً مِنْهُ وَيُنزِلُ عَلَيْكُمْ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً لِيُطَهِّرَكُمْ بِهِ وَيُذْهِبَ عَنْكُمْ رِجْسَ الشَّيْطَانِ وَلِيَرْبِطَ عَلَى قُلُوبِكُمْ وَيُثَبِّتَ بِهِ الْأَقْدَامَ؛ بیاد آر آن هنگام را که افکند بر شما خمار خواب را تا آرامشی باشد از ناحیه او، و او فرستاد بر شما از آسمان آب را تا با آن تطهیرتان کند و از شما پلیدی شیطان را ببرد و دل‌هایتان را محکم ساخته و در نتیجه قدم‌هایتان را استوار سازد.

استاد علامه طباطبایی - رضوان الله علیه - می‌فرماید: این آیه شریفه، مؤید روایاتی است که می‌گویند کفار قبل از مسلمانان به لب چاه‌های بدر وارد شدند و مسلمانان وقتی پیاده شدند که کفار آب را گرفته بودند و ناچار آنان در زمین خشک و ریگ‌زار پیاده شدند.<sup>۱</sup>

علامه سید جعفر مرتضی می‌نویسد: مسلمانان آب نداشتند و خداوند شبی از آسمان بر آنان باران بارید تا جایی که در بیابان سیل جاری شد و حوض‌ها زدند و آب نوشیدند، مرکب‌ها را سیراب کردند، غسل نمودند و مشک‌ها را پر از آب ساختند.<sup>۲</sup>

در مورد نقش ایمان و شهادت‌طلبی همه رزمندگان غزوه بدر می‌توان خلاف آن را از آیات قرآنی و سرپیچی سپاهیان اسلام از دستورات پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به دست آورد. مسلمانان دچار چنان تخلف و انحرافی در غزوه بدر شدند که خداوند آنان را به نزول عذاب عظیم تهدید کرد و از رحمت و غفران پروردگار بود که این عذاب بر آنان تنازل نشد. این امر از بررسی موقعیت مسلمانان در غزوه بدر به دست می‌آید.

### ۳-۶. علل پیروزی اسلام در غزوه بدر از دیدگاه قرآن کریم

با توجه و تعمق در آیات قرآن کریم معلوم می‌شود که عده‌ای از مسلمانان که از چگونگی

۱. همان، ص ۳۵.

۲. سید جعفر مرتضی عاملی، همان، ص ۱۸۰.

قدرت سپاه دشمن با خبر بودند تن به این درگیری نمی‌دادند.<sup>۱</sup> به همین دلیل خداوند جریان‌هایی را پیش آورد که هر دو گروه خواه ناخواه در برابر یکدیگر قرار گیرند و تن به پیکار سرنوشت‌ساز بدهند. شهید مطهری در این باره می‌نویسد:

قرآن تصریح می‌کند که در جنگ بدر خدا وسیله‌ای فراهم کرد که هر دو طرف بر یکدیگر تشجیع بشوند که این جنگ، که جنگ سرنوشت بود، صورت بگیرد تا در آن بر ایمان اهل ایمان افزوده بشود. از جمله هنگامی که دو لشکر به یکدیگر برخورد کردند، اسباب طوری فراهم شد که کفار به نظر مسلمین اندک آمدند، آن‌ها حدود هزار نفر بودند، ولی به چشم این‌ها خیلی کمتر آمدند. گفتند: این‌ها عددشان خیلی کم است، آن‌ها هم که مسلمین را دیدند کمتر از آنچه بودند به چشمشان آمدند. مسلمین با خود گفتند این‌ها که چیزی نیستند، شکست‌شان می‌دهیم، آن‌ها هم گفتند این‌ها چیزی نیستند یک لقمه ما هستند. این خودش یک حالت روحی است. آن‌ها قوت قلب پیدا کردند، برای این‌ها که بجنگند، این‌ها هم قوت قلب پیدا کردند... خداوند می‌فرماید: این یک سرّ الهی داشت، می‌خواستیم که این حقیقت، ظهور کند و این درس برای همیشه در میان مردم بماند.<sup>۲</sup>

شهید مطهری به آیه ۴۴ سوره انفال توجه نموده که پس از این بیان خواهد شد.

به طور کلی مجموع علل و عواملی که سبب وقوع غزوه بدر و نیز پیروزی اسلام بر شرک در این نبرد سرنوشت‌ساز شد عبارت‌اند از:

۱- اعلام وعده پیروزی قطعی در منزل ذفران به مسلمانان مبنی بر این‌که با هر یک از دو طایفه قریش برخورد کنید (عیر یا نفیر) بر آن‌ها پیروز خواهید شد؛

۲- فرو فرستادن باران برای رفع تشنگی، طهارت و غسل مسلمانان و آماده شدن میدان نبرد به نفع آنان؛

۳- این حادثه که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله قبل از جنگ صحنه‌ای از نبرد را در خواب دیدند که تعداد کمی از دشمنان در مقابل مسلمانان حاضر شده‌اند و این بشارت پیروزی را برای مسلمانان

۱. انفال (۸) آیه‌های ۶ و ۷.

۲. شهید مطهری، آشنایی با قرآن، ج ۳، ص ۸۹-۹۰.

نقل کردند که موجب تقویت روحیه آنان در پیشروی به میدان نبرد گردید؛  
 ۴- فرو فرستادن خواب بر مسلمانان در شب غزوه بدر که موجب آرامش آنان گردید و  
 برای نبرد آماده شدند؛

۵- فرو فرستادن سه هزار ملائکه برای نصرت مسلمانان؛  
 ۶- خداوند هنگام رویارویی دو سپاه با یکدیگر، هر دو سپاه را در چشم یکدیگر کم و  
 کوچک نشان داد؛

۷- پس از شروع درگیری خداوند مسلمانان را در چشم کفار قریش دو برابر نشان داد؛  
 ۸- خداوند رعب در دل مشرکان انداخت و مسلمانان را بر آنها پیروز گردانید.  
 اکنون شرح و تفسیر این عوامل از نظر قرآن کریم و مفسران آیات الهی بیان می شود.

۶-۳-۱. اعلام وعده پیروزی

مسلمانان از مدینه با محاسبه تعقیب کاروان ابوسفیان بیرون آمده بودند، اما در منطقه  
 ذفران که اطلاع یافتند سپاه نظامی ابوجهل برای دفاع از کاروان تجاری خارج شده اند، در  
 ادامه جنگ مردد شدند. به همین دلیل پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نظر مقداد و سعد بن معاذ را جویا شد.  
 اما پس از اعلام آمادگی مسلمانان برای یاری آن حضرت، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند که ما بر هر  
 یک از دو طایفه که دُست پیدا کنیم قطعاً بر آن پیروز خواهیم شد. در روایات تاریخی «عیر» به  
 کاروان تجاری ابوسفیان گفته می شود و «نفیر» به سپاه نظامی ابوجهل<sup>۱</sup> در قرآن کریم از این  
 دو طایفه با «طائفین» یاد شده است. آن جا که می فرماید:

وَ إِذْ يَعِدُكُمُ اللَّهُ إِحْدَى الطَّائِفَتَيْنِ أَنَّهَا لَكُمْ وَ تَوَدُّونَ أَنَّ غَيْرَ ذَاتِ الشُّوكَةِ تَكُونُ

لَكُمْ؛<sup>۲</sup> به یاد آورید زمانی را که خداوند به شما وعده داد که با یاری او بر یکی از

دو طایفه غالب می شوید و شما مایل بودید آن طایفه که شوکت نظامی ندارد از آن  
 شما باشد.

۱. سید محمد حسین طباطبایی، همان، ص ۳۰-۳۱.  
 ۲. انفال (۸) آیه ۷.

### ۶-۳-۲. فرو فرستادن باران

با توجه با آیه ۱۱ سوره انفال، پیش از این گفته شد که فرو ریختن باران برای مسلمانان برکات بسیاری داشت. یکی از آن موارد، عبارت بود از سفت شدن جای پای مسلمانان که در زمینی شن زار و خشک فرود آمده بودند. آن قسمت از بدر که به طرف مکه می رفت و سر راه لشکر قریش بود خاک نرم، و آن قسمت که به طرف مدینه می رفت و سر راه لشکر رسول خدا بود، پوشیده از رمل و ماسه بود. از این رو باریدن باران به سود مسلمانان و زیان قریش تمام شد؛ زمین سر راه و زیر پای مسلمانان را سفت و محکم کرد و راه قریش گل شد و حرکت و تحرک نظامی برای آنان مشکل گردید. البته تأثیر باران فقط سفت شدن زیر پای مسلمانان نبود، بلکه بی آبی آنان را هم برطرف نمود، زیرا آیه مبارک می فرماید: «تا خودتان را با آب باران تطهیر کنید». علامه طباطبایی در ادامه همان مباحث می نویسد:

چیزی نگذشت که (مسلمین) محدث و همه دچار تشنگی شدند و شیطان از موقعیت استفاده کرده و در دل هایشان وسوسه کرد و گفت دشمنان آب را گرفته اند و اینک شما با جنابت و نجاست نماز می خوانید.<sup>۱</sup>

### ۶-۳-۳. خواب پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در خواب، صحنه‌ای از نبرد را دید که تعداد کمی از دشمنان در مقابل مسلمانان حاضر شده‌اند و این اشاره و بشیرتی به پیروزی بود. ایشان عین این خواب را برای مسلمانان نقل کرد و موجب تقویت روحیه و اراده آن‌ها در پیشروی به سوی میدان بدر شد. قرآن کریم در این زمینه می فرماید:

إِذْ يُرِيكُمُ اللَّهُ فِي مَنَامِكَ قَلِيلاً وَ لَوْ أَرَيْكُمُ كَثِيراً لَفَسَلْتُمْ وَ لَنَنْزَعْنَكُمْ فِي الْأَمْرِ وَلَكِنَّ اللَّهَ سَلَّمَ إِنَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ<sup>۲</sup> در آن موقع خداوند تعداد آن‌ها را در خواب به تو کم نشان داد، و اگر فراوان نشان می داد مسلماً سست می شدید و

۱. سید محمد حنین طباطبایی، همان، ص ۲۵.

۲. انفال (۸) آیه ۴۳.

(درباره شروع به جنگ با آنها) کارتان به اختلاف می کشید، ولی خداوند (شمارا از

همه اینها) سالم نگاه داشت و خداوند به آنچه درون سینه هاست داناست.

البته پیامبر اکرم ﷺ این خواب را درست دیده بود، زیرا نیرو و نفرات دشمن اگر چه در ظاهر بسیار زیاد بود، ولی در باطن اندک و ضعیف و ناتوان بودند، و می دانیم که معمولاً خوابها جنبه اشاره و تعبیر دارند و در یک خواب صحیح، چهره باطنی مسئله خود نمایی می کند.

این خواب را پیامبر اکرم ﷺ برای مسلمانان شرح داد، ولی بالأخره شاید این سؤال در اعماق ذهنها باقی مانده بود که چگونه پیامبر اکرم ﷺ در خواب، چهره ظاهری آنها را ندید و برای مسلمانان شرح نداد؟

ادامه آیه مورد بحث، به فلسفه این موضوع و نعمتی که خداوند از این طریق به مسلمانان ارزانی داشت، اشاره می کند و می گوید:

اگر آنها را بسیار می دیدی، سست می شدید و کارتان به اختلاف می کشید؛ گروهی موافق رفتن به میدان و گروهی مخالف می شدید؛ ولی خداوند شما را از این مستی و اختلاف کلمه و تنازع و آشفتگی، با این خوابی که چهره باطنی را نشان داد نه چهره ظاهری را، رهایی بخشید و سالم نگاه داشت.<sup>۱</sup>

۶-۳-۴. فرو فرستادن خواب بر مسلمانان

پس از کسب اطلاعات از موقعیت دشمن و آگاه شدن مسلمانان از نفرات و تجهیزات دشمنان از یک طرف، و فرود آمدن در زمینی خشک، ریگزار و بی آب از طرف دیگر، مسلمانان دچار رعب و وحشت و ترس فراوان شدند. در این هنگام بود که خداوند مسلمانان را یاری نمود و بشارت و آرامش به دلها داد و همه به خواب رفتند، همان طور که قرآن کریم می فرماید: «إِذْ يُغَشِّيكُمُ النُّعَاسُ أَمَنَةً مِّنْهُ». «واقدی می نویسد:

در آن شب، خواب بر مسلمانان چیره شد و بدون این که باران آنها را اذیت کند،

۱. مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۷، ص ۱۸۹-۱۹۰.

خوابیدند. زبیر بن عوام می‌گوید: در آن شب، خواب سخت بر ما چیره شد، به طوری که من هر چه مقاومت می‌کردم و با آن که زمین هم بدنم را ناراحت می‌کرد، ولی طاقت نیاوردم و جز خواب، چاره نبود. خود پیامبر اکرم ﷺ و اصحاب او هم به همین حال بودند. سعد بن ابی وقاص گوید: چنان خوابم گرفت که چانه‌ام روی سینه‌ام می‌افتاد، به پهلو دراز کشیدم و دیگر چیزی نفهمیدم. رفاعه بن رافع بن مالک می‌گوید: خواب بر من چیره شد و محتمل شدم به طوری که آخر شب، غسل کردم. البته معلوم است که اگر ترس و رعب آن‌ها از بین نرفته بود، معقول نبود که در میدان جنگ بتوانند بخوابند.<sup>۱</sup>

استاد سید جعفر مرتضی در تحلیل این امر می‌نویسد:

خواب از نعمت‌های بزرگ و ناشناخته الهی است که انسان به واسطه آن خبیلی از ناراحتی‌ها و ضعف‌های خویش را بر طرف می‌نماید. خداوند متعال هم در شب جنگ بدر مسلمین را به خواب گرانی فرو برد، زیرا گروه کم مسلمانان به این خواب نیاز داشتند. گروهی که با یک خطر بسیار بزرگ مواجه شده بود، در حالی که هیچ‌گونه امکانات مادی و جنگی نداشت، برای آنان این خواب ضروری و لازم بود تا این که وساوس شیطان ملعون آنان را تحت فشار روحی قرار ندهد و در دل شب تاریک و خوفناک و وحشتناک (شبی که در این گونه موارد، اشیای زیز، بزرگ، با ضخامت و غیر عادی به نظر می‌رسند چه رسد به اموری که حقیقتاً و ذاتاً بزرگ و غول‌پیکرند) آنان را به هراس نیفکنند.

بلی این خواب، لازم و ضروری بود تا این که لشکر اسلام از روبه‌رو شدن با دشمن نهراسیده، در خود احساس ضعف و وحشت و خود کم‌بینی ننماید. این خواب، ضروری بود تا این که برای عقول و افکار مسلمین این امکان به وجود آید که در مواضع و مواقف دشمن مسلط شوند. این خواب، ضروری بود تا این که کابوس وحشت از جلوی چشم مسلمین برداشته شود و آنان تبدیل به یک نیروی مقاوم و با



- عظمت و جرئت و شهامت نسبت به دشمن بگردند. بلی این خواب، لازم و ضروری بود تا این که در دل آنان یک قدرت و الفت و وحدت به وجود آید تا این که اطمینان قلبی بیابند که خداوند متعال ناظر آنان بوده و هست، و عنایات و الطاف بی پایان خداوند متوجه آن‌هاست.<sup>۱</sup>

۶-۳-۵. نزول ملائکه در غزوه بدر

از جمله حوادث غزوه بدر که کتاب‌های تاریخ نقل کرده‌اند و در قرآن کریم هم آیاتی درباره آن آمده است، مسئله فرود آمدن ملائکه الله برای یاری مسلمانان است. در غزوه بدر سه هزار ملائکه برای یاری اسلام فرود آمدند. قرآن کریم در این مورد می‌فرماید:

إِذْ تَقُولُ لِلْمُؤْمِنِينَ أَلَنْ يَكْفِيَكُمْ أَنْ يُدْعِيَكُمْ رَبُّكُمْ بِثَلَاثَةِ آلْفٍ مِنَ الْمَلَائِكَةِ مُنزَلِينَ؛<sup>۲</sup>  
 آن دم که به مؤمنان گفتی آیا بس نیست که پروردگارتان شمارا به سه هزار فرشته ای که از آسمان نازل می‌شوند کمک کند.

این آیه، دلالت دارد که خداوند در جنگ بدر سه هزار ملک برای یاری مؤمنان فرستاده است.<sup>۳</sup> علی رضی الله عنه در خصوص چگونگی حضور ملائکه الله در جنگ بدر می‌فرماید: عمامه، تاج عرب است و در جنگ بدر فرشتگان عمامه‌های سفیدی بر سر داشتند که سیر آن را به پشت کمرشان آویخته بودند، فقط جبرئیل عمامه‌اش زرد رنگ بود.

در مورد نقش ملائکه در جنگ بدر دو نظر وجود دارد: یک نظر این است که ملائکه در جنگ اقدامی نکردند، بلکه فقط برای قوت قلب مؤمنان حضور داشته‌اند. نظر دیگر این است که آن‌ها در جنگ شرکت داشتند و مشرکان را به قتل می‌رساندند، چنان که ابن هشام می‌نویسد:

از ابن عباس روایت شده است که جز در جنگ بدر، فرشتگان دست به کار جنگ و زد و خورد نشدند و تنها آن روز بود که به مقاتله دست زدند و در جنگ‌های دیگر

۱. علامه سیدجعفر مرتضی عاملی، همان، ج ۳-۴، ص ۱۸۳-۱۸۴.  
 ۲. آل عمران (۳) آیه ۱۲۴.  
 ۳. سیدمحمدحسین طباطبایی، همان، ج ۷، ص ۱۲.

تنها به عنوان پشتیبانی و کمک می آمدند، بی آن که زد و خوردی انجام دهند.

## نظر قرآن کریم درباره نقش ملائکه در جنگ بدر

خداوند متعال در سوره انفال می فرماید:

إِذْ تَسْتَعِينُونَ رَبَّكُمْ فَأَسْتَجَابَ لَكُمْ أَنِّي مُمِدُّكُمْ بِأَلْفٍ مِّنَ الْمَلَائِكَةِ مُرَدِّينَ \* وَمَا جَعَلَهُ اللَّهُ إِلَّا بُشْرَىٰ وَ لِيُطْمَئِنَّ بِهٖ قُلُوبُكُمْ وَمَا النَّصْرُ إِلَّا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ؛<sup>۱</sup> بیاد آر آن هنگامی را که به پروردگارتان استغاثه می کردید و خداوند استغاثه تان را مستجاب کرد (و فرمود) من شما را به هزار نفر از ملائکه های ردیف دار کمک خواهیم کرد \* و امداد فرستادن ملائکه به منظور بشارت شما و آرامش دل های شما بود (نه برای آن که کفار به دست آنان هلاک شوند) نیست یاری مگر از جانب خدا، همانا خدا عزیز و حکیم است.

از آیه شریفه چنین استفاده می شود که ملائکه ای که برای کمک مؤمنان آمدند مستقلاً در امر یاری اثر نداشتند و صرفاً اسباب ظاهریه ای بودند که باعث آرامش قلب مؤمنان شدند. و اما یاری واقعی صرفاً از خدای سبحان است و هیچ چیز انسان را از او بی نیاز نمی کند و هر امری منتهی به اوست؛ عزیزی است که مغلوب نمی شود و حکیمی است که چهل در حریم مقدس اش راه ندارد.

این معنا کلام بعضی را تأیید می کند که گفته اند: ملائکه برای کشتن کفار نازل نشده بودند و احدی از ایشان را نکشتند، و منظور از نزول ملائکه تنها و تنها سیاهی لشکر و در آمیختن با ایشان بوده است تا بدین وسیله آن افراد خود را یافته و دل هاشان محکم شود و در مقابل، دل های مشرکان مرعوب گردد.<sup>۲</sup>

۶-۳-۶. تصرف در چشم های دو سپاه

خداوند سبحان، مشرکان را در اولین برخورد در نظر مؤمنان اندک نشان داد تا رعبی از

۱. انفال (۸) آیات ۹ و ۱۰ و نیز رک: سید محمد حسین طباطبایی، همان، ج ۱۷، ص ۳۴.

۲. سید محمد حسین طباطبایی، همان، ج ۱۷، ص ۳۴.





کفار در دل آن‌ها نیفتد، و مؤمنان را در نظر مشرکان اندک نشان داد تا مغرور شده، ایشان را غیر قابل اعتنا تلقی کنند، و همین معنا ایشان را بر پیاده شدن و جنگیدن دلیر کند. خداوند متعال در قرآن کریم در این باره می‌فرماید:

وَ إِذْ يُرِيكُمُوهُمْ إِذِ التَّمَيُّمِ فِي أَعْيُنِهِمْ قَلِيلاً وَ يَقُلُّ لَكُمْ فِي أَغْنِيهِمْ لِيُقْضَىٰ اللَّهُ أَمْرًا  
 كَانَ مَفْعُولًا وَإِلَى اللَّهِ تُرْجَعُ الْأُمُورُ؛<sup>۱</sup> و هنگامی که نمایاند ایشان را به شما هنگام  
 تلاقی شما با ایشان، اندک در چشم شما، و اندک نمود شما را در چشم ایشان، تا  
 خداوند به کرسی بنشانند امری را که شدنی بود، و به سوی خداست مرجع همه  
 امور.

تفسیر این آیه، قبلاً با بیان شهید مطهری ذکر شد و استدلال مبسوط ایشان پس از این، دوباره بیان خواهد شد.

۶-۳-۷. تصرف در چشم‌های مشرکان

قرآن کریم در سوره آل عمران با اشاره به مرحله سوم نبرد بدر می‌فرماید: دشمنان پس از شروع جنگ و مشاهده ضربات کوبنده مجاهدان اسلام که مانند صاعقه بر سر آنان فرود می‌آمد به وحشت افتادند و این بار احساس می‌کردند که ارتش اسلام زیاد شده است، حتی دو برابر آن چه بودند، و به این ترتیب، روحیه آنان متزلزل شد و به شکستشان کمک نمود:

قَدْ كَانَ لَكُمْ آيَةٌ فِي فِتْنَةِ الْمُكَافِرِينَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ آخِرَىٰ كَافِرَةٌ يَرَوْنَهُمْ  
 مِثْلَهُمْ رَأَىٰ الْعَيْنِ وَ اللَّهُ يُؤَيِّدُ بِنَصْرِهِ مَنْ يَشَاءُ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَعِبْرَةً لِّأُولِي الْأَبْصَارِ؛<sup>۲</sup>  
 در دو جمعیتی (که در میدان جنگ بدر) با هم روبه‌رو شدند، نشانه‌ای برای شما  
 بود، یک جمعیت در راه خدا نبرد می‌کرد و جمعیت دیگر کافر بود، و در حالی که  
 (کفار) آن‌ها (مؤمنان) را با چشم خود، دو برابر آن چه بودند مشاهده می‌کردند، و  
 خداوند هر کس را بخواهد با یاری خود تأیید می‌کند. در این، عبرتی است برای  
 صاحبان چشم و بینش.

۱. انفال (۸) آیه ۴۴.  
 ۲. آل عمران (۳) آیه ۱۳.

## ۶-۳-۸. القای رعب در قلب مشرکان

خداوند متعال در مقابل آن همه عنایات و الطاف بی‌شائبه‌ای که به مسلمانان نمود و آن‌ها را مورد رحمت و تحت پوشش خود قرار داد، در دل مشرکان، وحشت عجیبی انداخت که به سبب آن، روحیه آن‌ها را سخت متزلزل ساخت. قرآن کریم در این باره می‌فرماید:

إِذْ يُوحِي رَبُّكَ إِلَى الْمَلَأَةِ أَنِّي مَعَكُمْ فَثَبَّتُوا الَّذِينَ ءَامَنُوا سَأَلْتَنِي فِي قُلُوبِ الَّذِينَ كَفَرُوا الرُّعْبَ؛<sup>۱</sup> به خاطر بیاورید موقعی را که پروردگارت به فرشتگان وحی کرد، من با شما هستم کسانی را که ایمان آورده‌اند ثابت قدم بدارید. به زودی در دل‌های کافران ترس و وحشت می‌افکنیم.

پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در شب بدر عمار بن یاسر و ابن مسعود را به سوی لشکر قریش روانه فرمود: آن دو گرد قریش دوری زدند و برگشتند و گفتند: ای رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، قریش سخت ترسیده و وحشت زده شده‌اند، آسمان هم که بر ایشان فرو می‌ریزد، اسب‌ها که می‌خواهند شیعه بکشند می‌زنندشان که آرام بگیرند.<sup>۲</sup>

و این به راستی عجیب بود که ارتش نیرومند قریش در برابر سپاه کوچک اسلام آن‌چنان روحیه خود را باخته بود که جمعی از درگیرشدن با مسلمانان وحشت داشتند.

استاد سید جعفر مرتضی تحت عنوان «سرّ رعب مشرکین» در این مورد می‌نویسد:

مشرکین به خوبی به این مسئله پی برده بودند و بالعیان می‌دیدند که پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ تصمیم نهایی را گرفته‌اند و خود را برای مقابله تا پیروزی آماده کرده است. عکس‌العمل این آمادگی و تصمیم آن بود که در دل دشمن، رعب بزرگی ایجاد شود؛ دشمنی که جز برای هدف‌های پست دنیای مادی و رسیدن به هدف‌های مادی، برای چیز دیگر نمی‌جنگید. جنگش در راه عقیده نبود و این‌گونه هدف‌ها هم نمی‌توانست آن‌قدر انگیزه در دل آنان ایجاد نماید که تا پای مرگ، ایستادگی نموده و از آن با علاقه و محبت استقبال نماید.

۱. انفال (۸) آیه ۸.

۲. واقعی، همان، ص ۴۱.



علت دیگر این که مسلمین در سکوت معنا داری فرو رفته بودند و این گونه صحنه سازی، به قدرت و نیروی رزمی ارتش می افزاید و آن را چند برابر می نمایاند و در مقابل، در دل دشمن ایجاد رعب و وحشت می نماید، زیرا دشمن هیچ گونه اطلاعی از طبیعت سرنوشت جنگ ندارد و هدف مشخصی را از آن دنبال نمی کند، در حالی که به زودی در آن جنگ، درگیر می شود. معلوم است ورود کورکورانه و بدون هدف در چنین قماری، رعب آور است.<sup>۱</sup>

به هر حال، هر دو لشکر در چنین وضعی آن شب را در نقطه ای که فرود آمده بودند منزل کردند.

صبح روز بعد، بامداد روز جمعه ۱۷ ماه مبارک رمضان، دو گروه پس از جابه جایی سپاه رو در روی یکدیگر قرار گرفتند. قرآن کریم در باره اهمیت این روز می فرماید:

إِنْ كُنْتُمْ ءَامِنْتُمْ بِاللَّهِ وَ مَا أَنْزَلْنَا عَلَى عَبْدِنَا يَوْمَ الْفُرْقَانِ يَوْمَ التَّمَيِّزِ الْجَمْعَانِ وَ اللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ<sup>۲</sup> اگر شما به خدا و آنچه بر بنده خود در روز جدایی حق از باطل، روز درگیری دو گروه (با ایمان و بی ایمان، یعنی روز جنگ بدر) نازل کردیم ایمان آورده اید و خداوند بر هر چیزی قادر است.

در این آیه، از روز جنگ بدر به نام روز جدایی حق از باطل (یوم الفرقان) و روز درگیری گروه طرف داران کفر با گروه طرف داران ایمان یاد شده و این اشاره است به این که:

اولاً: روز تاریخی بدر روزی است که نشانه ای از حقانیت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله ظاهر شد، زیرا قبلاً وعده پیروزی به مسلمانان داده شده، در حالی که هیچ نشانه ای از آن وجود نداشت. بنابراین، صدق آیاتی که بر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در این روز نازل شده دلیل آن در خودش نهفته است.

ثانیاً: در این روز، مؤمنان راستین اسلام از مدعیان کاذب شناخته شدند. پس این روز از هر نظر، روز جدایی حق از باطل بوده است.<sup>۳</sup>

۱. سید جعفر مرتضی عاملی، همان، ج ۳-۴، ص ۱۸۷.  
 ۲. انفال (۸) آیه ۴۱.  
 ۳. مکارم شیرازی، همان، ج ۷، ص ۱۸۹-۱۹۰.

با توجه به این عوامل است که قرآن کریم تصریح می‌نماید که پیروزی مسلمانان بر سپاه مشرکان در غزوه بدر امری عادی نبوده است؛ آن‌جا که می‌فرماید:

فَلَمْ تَقْتُلُوهُمْ وَلَكِنَّ اللَّهَ قَتَلَهُمْ وَ مَارَمَيْتَ إِذْ رَمَيْتَ وَلَكِنَّ اللَّهَ رَمَىٰ وَلِئَلَّيْ

الْمُؤْمِنِينَ مِنْهُ بَلَاءٌ حَسَنًا إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ؛<sup>۱</sup> پس شما ایشان را نکشتید و لکن

خدا آن‌ها را کشت و تو (آن مشت خاک) را نپاشیدی و لکن خدا پاشید. و برای

این‌که مؤمنان را بیازماید از ناحیه خود آزمایشی نیکو، که خدا شنوای داناست.

استاد علامه طباطبایی در تفسیر این آیه می‌فرماید: جمله «ما رمیت إذ رمیت» اشاره

است به آن مشت ریگ یا خاکی که رسول خدا ﷺ به طرف مشرکان پرتاب کرد. و مراد از

«قتل» کشتن کفار قریش در جنگ بدر توسط مسلمانان است. و ذیل آیه، خداوند متعال

می‌خواهد نصرت خود را بر مسلمانان منت بگذارد و به همین سبب نیز عین آن عملی را که از

رسول خدا ﷺ نفی کرده برای وی اثبات نموده است؛ می‌فرماید: «تو نپاشیدی وقتی که

پاشیدی».

در حقیقت، مراد از این آیات نفی عادی بودن جنگ بدر است؛ یعنی خیال نکنید که

استیصال کفار و غلبه مؤمنان بر ایشان امری عادی و طبیعی بوده باشد. چگونه ممکن است

چنین باشد و حال آن‌که عادتاً و طبیعتاً مردمی اندک و انگشت شمار و فاقد تجهیزات جنگی و

با یک دو رأس اسب و تعداد مختصری زره و شمشیر نمی‌توانند لشکری مجهز به اسبان و

اسلحه و مردان جنگی را تار و مار سازند، چون عدد ایشان چند برابر است و نیروی ایشان

قابل مقایسه با نیروی این عده نیست و وسائل غلبه و پیروزی هم با آن‌هاست، پس قهراً

آن‌ها باید پیروز شوند. پس این خدای سبحان بود که به وسیله ملائکه‌ای که نازل فرمود،

مؤمنان را استوار، و کفار را مرعوب کرد و با آن سنگ‌ریزه‌ها که رسول خدا ﷺ به سمت‌شان

پاشید فراریشان داد و امکان کشتن و اسیر کردن آن‌ها را برای مؤمنان فراهم کرد و بدین

وسیله، کید ایشان را خنثی و سر و صدایشان را خفه کرد.<sup>۲</sup>

۱. انفال (۸) آیه ۱۷.

۲. سید محمد حسین طباطبایی، همان، ج ۱۷، ص ۶۱-۶۲.

## ۷. تبیین فلسفی پیروزی بدر

شهید مطهری بر این باور است که از نظر قرآن کریم علل، اسباب و عوامل پیروزی و شکست، حیات و نابودی اقوام و ملت‌ها به دو دسته تقسیم می‌شوند: ۱- علل و عوامل مادی، ۲- علل و عوامل معنوی. به اعتقاد ایشان علل معنوی بر علل مادی برتری دارند و در صورتی که حادثه‌ای براساس عوامل معنوی به وجود آید، علل و عوامل مادی را خنثی و بی‌اثر می‌نماید. ایشان در این باره می‌نویسد:

البته از نظر جهان‌بینی مادی تنها باید به علل، اسباب و عوامل مادی و روابط علی و معلولی میان آن‌ها اکتفا کرد. اما از نظر جهان‌بینی الهی که واقعیت را در چهارچوب ماده و جسم و کیفیات و انفعالات جسمانی محدود و محصور نمی‌داند، دنیای حوادث دارای تار و پودهایی بیشتر و پیچیده‌تر است؛ عواملی که در پدید آمدن حوادث شرکت دارند بسی افزون‌تر می‌باشند.

از نظر مادی، عوامل مؤثر در [پیروزی و شکست ملت‌ها] منحصرأً عوامل مادی است، اما از نظر جهان‌بینی الهی علل و عوامل دیگری که عوامل روحی و معنوی نامیده می‌شوند نیز همدوش عوامل مادی در کار انسان‌ها و امور آنان مؤثرند.

از نظر جهان‌بینی الهی، جهان یک واحد زنده و با شعور است اعمال و رفتار بشر حساب و عکس‌العمل دارد. خوب و بد و در مقیاس جهان، بی‌تفاوت نیست. اعمال خوب و بد بشر مواجه می‌شود با عکس‌العمل‌هایی از جهان که احیاناً در دوره حیات و زندگی خود فرد (و یا جامعه) به آن می‌رسد.

از نظر جهان‌بینی الهی، جهان هم شنواست و هم بینا و فریاد جاندارها را می‌شنود و به آن‌ها پاسخ می‌دهد به همین جهت دعا یکی از علل جهان است که در سرنوشت انسان مؤثر است، جلو جریان‌هایی را می‌گیرد و یا جریان‌هایی به وجود می‌آورد. به عبارت دیگر، دعا یکی از مظاهر قضا و قدر است که در سرنوشت حادثه‌ای می‌تواند مؤثر باشد یا جلو قضا و قدری را بگیرد.



در اخبار و روایاتی که از رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ یا ائمه اطهار عَلَيْهِمُ السَّلَام رسیده است مطلبی به این مضمون به چشم می‌خورد که اگر قضا و قدر بیاید، اسباب و علل، مخصوصاً عقل و تدبیر انسان از کار می‌افتد. این مطلب در ادبیات فارسی و عربی به همین مضمون منعکس شده است.

در جامع الصغیر چندین حدیث در این معنا از رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نقل می‌کنند از آن جمله:  
 إِنَّ اللَّهَ إِذَا أَرَادَ إِمْضَاءَ أَمْرٍ نَزَعَ عُقُولَ الرِّجَالِ حَتَّى يَمْضِيَ أَمْرُهُ فَإِذَا أَمْضَاهُ رُدَّ إِلَيْهِمْ عُقُولُهُمْ وَوَقَعَتِ النَّدَامَةُ؛ هرگاه خدا بخواهد کاری را به انجام رسد خردهای مردم را از آنها جدا می‌کند تا وقتی که امر خود را به انجام رساند، همین که به انجام رساند، خردهای آنها را به آنها باز می‌گرداند و در این وقت است که پشیمانی صورت می‌گیرد.

در تحف العقول به نقل از امام رضا عَلَيْهِ السَّلَام آمده است:

إِذَا أَرَادَ اللَّهُ أَمْرًا سَلَبَ الْعِبَادَ عُقُولَهُمْ فَأَنْقَذَ أَمْرَهُ وَتَمَّتْ إِرَادَتُهُ فَإِذَا أَنْقَذَ أَمْرَهُ رَدَّ إِلَيْهِ كُلَّ ذِي عَقْلٍ عَقْلَهُ فَيَقُولُ كَيْفَ ذَا؟ وَمِنْ أَيْنَ ذَا؟؛ هرگاه خدا چیزی را بخواهد عقل‌های بندگان را از آنها سلب می‌کند و حکم خود را به پایان می‌رساند، همین که حکم خود را اجرا کرد، عقل هر صاحب‌عقل را به او برمی‌گرداند، آن‌گاه او مرتب می‌گوید: چگونه شد که این کار شد؟ از کجا این کار صورت گرفت؟

مولوی می‌گوید:

چون قضا آید نماند فهم و رأی	کس نمی‌داند قضا را جز خدای
چون قضا آید فرو پوشد بصر	تا نداند عقل ما، پا را ز ستر
زان امام المتقین داد این خبر	گفت إذا جاء القضا عمى البصر
چون قضا بگذشت خود را می‌خورد	پرده بدریده گتربیان می‌درد
چون قضا آید نبینی غیر پوست	دشمنان را بازشناسی ز دوست
چون قضا آید طبیب، ابله شود	و آن دوا در نفع هم گمره شود

این اخبار و روایات ناظر به نظام کلی عالم و مجموع علل و اسباب، اعم از مادی و معنوی

است، و ناظر به مواردی است که علل و اسباب معنوی، علل و اسباب مادی را تحت الشعاع قرار می‌دهد. پیش از این گفتیم که علل و اسباب را تنها در ابعاد مادی نباید محصور کرد، «نظام اتم» از مجموع علل و اسباب آشکار و نهان تشکیل شده است، همان طوری که علل مادی و محسوس بعضی دیگر را خنثی می‌کنند و از کار می‌اندازند، در مواقع خاصی تحت تأثیر علل معنوی از کار می‌افتند.

کسی که تنها علل مادی و محسوس را می‌بیند خیال می‌کند سبب، منحصر به همین چیزهاست؛ نمی‌داند که هزاران علل و اسباب دیگر نیز ممکن است به حکم قضا و قدر الهی در کار باشد و آن‌گاه که علل و اسباب پا به میان گذاشتند، اسباب و علل مادی را خنثی و بی‌اثر می‌کنند.

در خود قرآن کریم این مطلب به بیانی بلیغ‌تر و رساتر از آنچه در زبان اخبار و احادیث آمده بیان شده است. در جریان جنگ بدر می‌فرماید:

وَ إِذْ يُرِيكُمُوهُمْ إِذِ الْتَقَيْتُمْ فِي آعْيُنِكُمْ قَلِيلاً وَيُقَلِّلُكُمْ فِي آعْيُنِهِمْ لِيَبْطِئَ اللَّهُ أَمْرًا  
كَانَ مَفْعُولًا وَإِلَى اللَّهِ تُرْجَعُ الْأُمُورُ؛<sup>۱</sup> یاد کن آن زمان را که خداوند، آن‌ها (خصم) را هنگامی که با آن‌ها برخوردید در چشم شما اندک و شما را در چشم آن‌ها اندک نمایاند، برای این‌که به انجام رساند چیزی را که شدنی بوده است، همه کارها به خداوند باز گردانده می‌شود.

این جریان یکی از امور تقدم پیدا کردن علل معنوی بر علل مادی است.<sup>۲</sup> علل و اسباب و عوامل پیروزی مسلمانان در غزوه بدر هم از نوع عوامل معنوی بوده که شرح مبسوط آن از دیدگاه قرآن بیان شد.

### ۸. موقعیت مسلمانان در غزوه بدر

غزوه بدر - همان‌گونه که بیان شد و در بحث علل پیروزی اسلام از دیدگاه قرآن کریم بیان خواهد شد - حادثه‌ای عظیم، استثنایی و خاص در تاریخ پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بود و مسلمانان

۱. انفال (۸) آیه ۴۴.

۲. شهید مطهری، انسان و سرنوشت.

نامه تاریخ پژوهان / سال دهم و سوم، ش ۸ و ۹، زمستان ۸۵ و بهار ۸۶



وظیفه خاصی در این نبرد بر عهده داشتند. این مسئولیت را پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله طی خطبه‌ای قبل از وقوع این نبرد به اطلاع آنان رسانید، اما مسلمانان از آن تخلف کردند. این تخلف از ترک تنگه کوه در غزوه احد مهم‌تر بود، اما مورخان اصلاً به آن توجه نکرده‌اند و منابعی که خطبه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را ذکر نموده‌اند اصلاً به ارتباط آن با مسلمانان در غزوه بدر اشاره‌ای نکرده‌اند.

#### ۸-۱. خطبه رسول الله صلی الله علیه و آله در غزوه بدر

حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله قبل از غزوه بدر خطبه‌ای برای مسلمانان ایراد فرمود. واقدی در مغازی می‌نویسد:

گویند رسول خدا در آن روز خطبه خواند. نخست، حمد و ثنای الهی گفت و سپس آن‌ها را به جنگ تحریص و به اجر و ثواب ترغیب کرد:

اما بعد، من شما را به چیزی برمی‌انگیزم که خدایتان به آن برانگیخته است و شما را از چیزی نهی می‌کنم که خدایتان از آن نهی فرموده است. پروردگار که منزلت او بسیار بزرگ است، به حق فرمان می‌دهد، صدق و راستی را دوست می‌دارد، اهل خیر را در مقابل خیر پاداش می‌دهد، ذکر او را گویند و مشمول فضل او شوند. شما در منزلی از منازل حق قرار گرفته‌اید و خداوند متعال از کسی چیزی قبول نمی‌فرماید مگر این‌که برای رضای او باشد. همانا صبر و شکیبایی هنگام سختی از چیزهایی است که خداوند به وسیله آن، اندوه را می‌زداید و از غم، نجات می‌دهد، و

در آخرت رستگار خواهید شد. پیامبر خدا میان شماست، شما را هشدار می‌دهد و امر می‌کند. و خداوند می‌فرماید: «لمقت الله اکبر من مقتکم انفسکم؛ هر آینه، دشمنی خدا بزرگ‌تر است از دشمنی شما با خودتان». <sup>۱</sup> توجه کنید به آن‌چه در کتابش به شما فرمان داده و آیات خود را به شما نشان داده است. و پس از خواری به شما عزت بخشیده است. پس به کتاب او تمسک جوید تا از شما خوشتر شود. در این مورد برای خدای خود عهده‌دار کاری شوید که مستوجب آن‌چه از رحمت و

۱. غافر (۴۰) آیه ۱۰.





آمرزش خود وعده فرموده است باشید، همانا وعده خدا حق، گفتار او راست و عقاب او شدید است. و به درستی که من و شما همه مورد نظر خدایم؛ خدای زنده و پاینده. به او پشتیبانی داریم، به او پناه می‌بریم، بر او توکل می‌کنیم و بازگشت همه به سوی اوست. خداوند! من و همه مسلمانان را بیامرز.<sup>۱</sup>

در این خطبه، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله حساسیت غزوه بدر را نزد پروردگار بیان فرموده و قرار گرفتن مسلمانان در این حادثه مهم را آزمایشی بزرگ از جانب خداوند اعلام کرده است و به آنان می‌فرماید: «شما در منزلی از منازل قرار گرفته‌اید که خداوند از احدی از شما قبول نمی‌کند مگر عملی را که خالص برای او انجام دهید. و با تأکید بر این که در میان شما پیامبر خدا صلی الله علیه و آله است و شما را هشدار می‌دهد، انذار می‌کند و بر حذر می‌دارد. از آنان می‌خواهد که دنیاگرایی نکنند؛ به فکر غنایم، اسیر گرفتن و فدیة ستاندن و نجات دوستان و خویشاوندان و امثال این امور نباشند، و خلاصه پرهیزند از گناهی که خداوند آنان را به سبب آن سرزنش نماید.

اما آیا مسلمانان در جنگ بدر به این اخطارها و هشدارها توجه کردند؟ آیا آنان از دنیا گرایی پرهیز نمودند؟ آیا از اسیر گرفتن به طمع فدیة گرفتن اجتناب نمودند؟ قرآن کریم رفتار مسلمانان را توصیف فرموده است. قرآن کریم مسلمانان را که در غزوه بدر اراده دنیا کردند و به طمع دنیا اسیر گرفتند، دنیا طلب معرفی می‌نماید و می‌فرماید اگر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در میان شما نبود عذابی عظیم بر شما نازل می‌کردم:

مَا كَانَ لِنَبِيٍّ أَنْ يَكُونَ لَهُ أَسْرَى حَتَّى يُثْخِنَ فِي الْأَرْضِ تُرِيدُونَ عَرَصَ الدُّنْيَا وَاللَّهُ يُرِيدُ الْآخِرَةَ وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ \* لَوْ لَا كِتَابٌ مِنَ اللَّهِ سَبَقَ لَمَسَّكُمْ فِيمَا أَخَذْتُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ \* فَكُلُوا مِمَّا غَنِمْتُمْ حَلَالاً طَيِّباً وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ؛<sup>۲</sup> (از نظر تأسیس و دوام حکومت الهی) هیچ پیامبری را نرسد و نرسد که او را اسیران (جنگی) باشد تا آن‌گاه که حکومتش را در روی زمین قوام و استحکام بخشد

۱. واقدی، همان، ص ۴۳-۴۴ و نیز ر.ک: سید محمد حسین طباطبایی، همان، ج ۱۷، ص ۴۸-۴۹؛ جلال الدین فارسی، همان و علامه سید جعفر مرتضی عاملی، همان.  
 ۲. انفال (۸) آیه‌های ۶۷-۶۹.

(بلکه باید دشمن در حال جنگ کشته شود). شما متاع دنیا را می خواهید (که اسیران را بفروشید یا با فدیة آزاد کنید) و خدا آخرت را می خواهد، و خدا مقتدر شکست ناپذیر و صاحب حکمت است \* اگر حکم مقرری که از جانب خدا گذشته است نبود (که قبل از اتمام حجت عذاب نکند) حتماً شما را درباره آن چه گرفتید (اسیرانی که بدون دستور پیامبر به خاطر فدیة گرفتید) عذابی بزرگ می رسید \* پس، از آن چه به غنیمت برده اید (از غنایم جنگ بدر و فدیة اسیران) حلال و پاکیزه بخورید و از خدا پروا کنید که البته خداوند بسیار آمرزنده و مهربان است.

بعضی از مسلمانان در میدان بدر، سعی داشتند دشمن را تا ممکن است اسیر کنند و طبق معمول جنگ های آن روز، پس از پایان جنگ، مبلغ قابل ملاحظه ای به نام فدیة بگیرند و اسیران را در مقابل آن آزاد کنند یا این که به سبب روابط دوستی و خویشاوندی که بعضی از مسلمانان با کفار داشتند آن ها را از مرگ حتمی نجات دهند، مثل اقدام عبدالرحمن بن عوف برای نجات امیة بن خلف. در هر دو صورت، عمل مسلمانان، ناپسند بوده و دنیا گرایی علت آن بود و قرآن کریم در این آیات به انگیزه عمل آنان اشاره فرموده است: «ثُرِيدُونَ عَرَضَ الدُّنْيَا وَاللَّهُ يُرِيدُ الْآخِرَةَ».

اکنون با توجه به این مسئله و خطبه پیامبر اکرم ﷺ قرآن کریم آنان را سرزنش کرده و می فرماید: «لَوْ لَا كِتَابٌ مِّنَ اللَّهِ سَبَقَ لَمَسَّكُمْ فِيمَا أَخَذْتُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ».

## ۹. موقعیت مشرکان در غزوه بدر

قرآن کریم موقعیت مشرکان را در غزو بدر بیان داشته و دلایل نزول عذاب را بر آنان بیان فرموده است:

وَلَوْ تَرَىٰ إِذِ يَتَوَفَّى الَّذِينَ كَفَرُوا الْمَلَائِكَةُ يَضْرِبُونَ وُجُوهَهُمْ وَأَدْبُرَهُمْ وَذُوقُوا عَذَابَ الْحَرِيقِ \* ذَلِكَ بِمَا قَدَّمْتُمْ أَيْدِيكُمْ وَأَنَّ اللَّهَ لَيْسَ بِظَلَمٍ لِلْعَبِيدِ \* كَذَّابِ  
الْفِرْعَوْنَ وَالَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ كَفَرُوا بِآيَاتِ اللَّهِ فَأَخَذَهُمُ اللَّهُ بِذُنُوبِهِمْ إِنَّ اللَّهَ قَوِيٌّ  
شَدِيدُ الْعِقَابِ \* ذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ لَمْ يَكُ مُغَيِّرًا نِّعْمَةً أَنْعَمَهَا عَلَىٰ قَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا



بِأَنْفُسِهِمْ وَ أَنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ \* كَذَّابِ ۱۱۱ فِرْعَوْنَ وَالَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ كَذَّبُوا بِآيَاتِ رَبِّهِمْ فَأَهْلَكْنَاهُمْ بِذُنُوبِهِمْ وَأَغْرَقْنَا ۱۱۱ فِرْعَوْنَ وَكُلُّ كَانُوا ظَلَمِينَ؛<sup>۱</sup> و اگر می دیدی هنگامی را که فرشتگان در یابند گروه کافران را و بزنند روی ها و پشت هایشان را و (بگویند) بچشید عذاب سوزان را \* این به خاطر آن (رفتاری است) که به دست خود پیش فرستادید (و این عذاب بس بزرگ، از ناحیه خدا نیست) که خدا ستم گر بر بندگان نمی باشد \* مانند شیوه خاندان آل فرعون و آنان که پیش از ایشان بودند (که) به آیات خدا کفر ورزیدند، پس خدا به گناهانشان بگرفت که خدا نیر و مندی است شدید عقاب \* (و) این بدانست که خدا تغییر دهنده نعمتی که به قومی ارزانی داشته نیست تا آن که خود ایشان تغییر دهند آن چه را که در خودشان است (با علم به این که) خدا شنوای داناست \* و مانند شیوه دودمان فرعون و آنان که قبل از ایشان بودند (که) تکذیب کردند آیات پروردگارشان را، پس ما به خاطر گناهانشان هلاکشان کرده و خاندان فرعون را غرق نمودیم، همه شان ستم گر بودند.

علامه طباطبایی در تفسیر آیه ذیل می نویسد:

«ذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ لَمْ يَكُ مُغَيِّرًا نِعْمَةً أَنْعَمَهَا عَلَىٰ قَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ»<sup>۲</sup> الخ؛ یعنی عقابی که خداوند معاقبین را با آن عذاب می کند همیشه به دنبال نعمت الهیه است که خداوند قبل از آن عقاب ارزانی داشته، به این طریق که نعمت را برداشته، عذاب را به جایش می گذارد و هیچ نعمتی از نعمت های الهیه به نعمت و عذاب مبدل نمی شود مگر بعد از تبدل محلش که همان نفوس انسانی است. پس نعمتی که خداوند آن را بر قومی ارزانی داشته وقتی به آن قوم افاضه شده که در نفوسشان استعداد آن را پیدا کردند، و وقتی از ایشان سلب گشته و مبدل به نعمت و عقاب می شود که استعداد درویشان را از دست داده و نفوسشان مستعد عقاب شده باشد. و این خود یک قاعده کلیه است در تبدیل نعمت به نعمت و عقاب، و از این جامع تر

۱. انفال (۸) آیه های ۵۰-۵۴.

۲. انفال (۸) آیه ۵۳.

آیه شریفه: «إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا أَمَّا بِأَنْفُسِهِمْ»<sup>۱</sup> خداوند آنچه را مردمی دارند تغییر نمی دهد مگر بعد از آن که آن چه را در نفوسشان هست تغییر دهند».

(چون این آیه شامل تغییر نعمت و نعمت هر دو است) گو این که آیه مورد بحث در تبدل نعمت به نعمت، روشن تر است.

و به هر حال پس از این که فرمود: «ذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ لَمْ يَكْ مَغْيِرًا» الخ، از قبیل تعلیل به امری عام و تطبیق آن بر موردی خاص است، و معنایش این است که مشرکین قریش را به گناهانشان گرفتن و ایشان را به این عقاب شدید معاقب کردن و نعمت خدایشان به عقاب شدید مبدل گشتن، فرعی است از فروع سنت جاریه الهی، و آن سنت این است که خداوند نعمت را که به قومی بدهد تغییرش نمی دهد مگر آن که آن قوم آن چه را در نفوس دارند تغییر دهند.<sup>۲</sup>

علت نزول عذاب بر مشرکان قریش و کشته شدن بزرگان آنان، بر اساس قوانین مشروط تاریخ و دخالت اختیار انسان ها بیان شده است. نزول عذاب به دلیل این بود که مشرکان، نفوس خود را از وضعیت قبلی به وضع فسق تغییر داده و به انکار آیات الهی ابلاغ شده توسط پیامبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ پرداختند و همان گونه که علامه طباطبایی فرمودند این سنت، شاخه ای از سنت کلی «تغییر» است که در آیه یازده تنوره رعد بیان شده و به تعبیر مفسران شیعه این آیه، أُمُّ السُّنَنِ همه قوانین مشروط تاریخ است.

#### ۱۰. مقایسه بدر و احد

اگر غزوه بدر و احد به صورت مقایسه ای و بر اساس قوانین تاریخی قرآن کریم مطالعه شوند مشخص خواهد شد که مسلمانان به رغم برتری های، گسترده ای که در مقایسه با مشرکان در احد داشتند و این برتری را در بدر به طور کامل فاقد بودند، اما در احد شکست خوردند، زیرا غزوه احد از مصادیق قوانین مشروط تاریخ و میدان

۱. رعد (۱۳) آیه ۱۱.

۲. سید محمد حسین طباطبایی، همان، ج ۱۷، ص ۱۵۸-۱۵۹.



بروز اختیار و فعالیت‌های مشروط انسان‌ها بود:

- ۱- در بدر فرمانده مشرکان ابوجهل و فرمانده احد ابوسفیان بود که ابوجهل در مسائل نظامی بر ابوسفیان برتری داشت؛
  - ۲- در بدر موقعیت سوق الجیشی، یعنی جاه‌های بدر در دست مشرکان بود، اما در احد، منطقه کوهستانی احد و پایگاه‌های نظامی مستحکم در اختیار مسلمانان بود؛
  - ۳- تعداد مسلمانان در بدر کمتر از تعداد آنان در احد در مقایسه با مشرکان بود؛
  - ۴- تجهیزات مسلمانان در بدر کمتر از تجهیزات آنان در احد بود؛
  - ۵- ایمان و شهادت‌طلبی مسلمانان در احد آشکار شد، شهادت حمزه سیدالشهداء و هفتاد تن از یاران پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله جلوه اصلی این بعد بود.
- و موارد دیگری که مطالعه دقیق و کامل آن فرصت مناسبی می‌طلبد.
- به هر حال، قواعد و روش‌های مشخص و معینی از نظر قرآن کریم برای مطالعه تاریخ به‌طور اعم و تاریخ پیامبران و پیامبر اسلام به‌طور اخص، وجود دارد که گشودن این باب، علم نوینی را در میان علوم اسلامی ایجاد خواهد کرد.

### نتیجه‌گیری

از مباحث گذشته، مصادیق اصول مطرح شده در آغاز مقاله مشخص می‌شود: اول، این‌که غزوه بدر از حوادث تاریخی است و جزء مباحث وجود شناسنامه تاریخ می‌باشد؛

دوم، این‌که علل و عوامل پیدایش، پیشرفت و پیروزی این حادثه که از مباحث معرفت‌شناسی تاریخ است، از دیدگاه قرآن مشخص شده است. در قرآن کریم قواعد و قوانین تاریخی بسیاری بیان گردیده و در این مقاله تعدادی از این قوانین برای تفسیر این حادثه، بررسی شده است؛

سوم، این‌که خداوند در حوادث تاریخی نقش دارد. برخلاف دیدگاه‌های مورخان و فیلسوفان مغرب زمین، خداوند تبارک و تعالی در تاریخ پیامبران از جنبه ابلاغ رسالت و اتمام

حجت بر مردم، دخالت کرده و پیروزی آنان را قطعی می‌نماید. غزوه بدر از حوادث مرحله ابلاغ رسالت یوده و موجب اتمام حجت بر مردم شد «لِيَهْلِكَ مَنْ هَلَكَ عَنِ بَيْتِهِ وَيُحْيِيَ مَنْ حَيَّ عَنِ بَيْتِهِ»<sup>۱</sup> در نتیجه، خداوند با دخالت دادن هشت عامل، وقوع و پیروزی آن را قطعی نمود. به تعبیر علامه طباطبایی، غزوه بدر «مشیت. خاصه» خداوند سبحان است و به بیان شهید مطهری این حادثه «قضای حتمی» الهی است که امکان تخلف در آن وجود ندارد؛

چهارم، این که سنت نصرت قطعی تاریخی بر غزوه بدر حاکم است. از نظر قرآن، قانونی به نام نصرت و پیروزی وجود دارد. قانون نصرت به دو نوع قطعی و مشروط تقسیم می‌شود. آیات ۱۷۱-۱۷۳ سوره صافات با بیش از پانزده تأکید، نصرت قطعی پیامبران را بیان فرموده است: «و لقد سبقت كلمتنا لعبادنا المرسلين \* انهم لهم المنصورون \* و ان جندنا لهم الغالبون...».

در این نصرت، به رغم تخلف سپاه از دستور فرماندهی - چنان که مسلمانان در غزوه بدر از دستورات پیامبر تبعیت نکردند - پیروزی تغییر نمی‌کند و قطعی است. البته آیه «يا ايها الذين آمنوا ان تنصروا الله ينصركم و يثبت اقدامكم»<sup>۲</sup> قانون نصرت مشروط را بیان فرموده است که در احد اتفاق افتاد؛

پنجم، موضوع مقایسه غزوه بدر و احد به طور کلی است و بیان این که غزوه بدر از مصادیق قانون نصرت قطعی خداوند است - شرح مبسوط آن در متن مقاله آمده است - اما غزوه احد از مصادیق قانون نصرت مشروط خداوند بوده که به سبب تخلف سپاه، پیروزی از آنان سلب شد. پیامبر اکرم ﷺ از جانب خداوند وعده پیروزی در جنگ احد را به مسلمانان داده بود، اما این پیروزی، مشروط به تبعیت مسلمانان از فرمان پیامبر اکرم بود و چون سرپیچی کردند از آنان سلب شد. خداوند در سوره آل عمران می‌فرماید: «لقد صدقكم الله وعده اذ تحسونهم يا ذنبة حتى اذا فشتم و تنازعتم في الامر و عصيتم من بعد ما اريكم ما تحبون منكم من يريد الدنيا و منكم من يريد الآخرة ثم صرفكم عنهم ليبتليكم و لقد عفا عنكم و الله ذو فضل على

۱. انفال آیه ۴۲.

۲. محمد (۴۷) آیه ۷.

المؤمنين»<sup>۱</sup> جمله «حتی اذا فلشتم...» از مصادیق آیه «حتی یغیروا ما بأنفسهم» می‌باشد. خداوند وعده پیروزی مشروط خود را تغییر نداد. تا این‌که سپاهیان پیامبر اسلام اراده دنیا کردند «و منکم من یرید الدنیا» در نتیجه، پیروزی مشروط از آنان سلب شد؛ ششم، بحث موقعت مسلمانان و موقعت مشرکان در غزوه بدر نیز سنن و قوانین تاریخی خاص خود را دارد و چون حوادث این دو گروه در متن مقاله بیان نشده، اما تطبیق قوانین با مصادیق وجود ندارد.

## فهرست منابع

۱. آیتی، محمد ابراهیم، تاریخ پیامبر اسلام، به کوشش ابوالقاسم گرجی، چاپ ششم: تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
۲. استنفورد، در آمدی بر فلسفه تاریخ، ترجمه گل محمدی، چاپ اول: تهران، نشر نی، ۱۳۸۲.
۳. پل ادواردز، فلسفه تاریخ، ترجمه بهزاد سالکی، چاپ اول: تهران، پژوهشگاه علوم، ۱۳۷۵.
۴. پوپر کارل، قعر تاریخیگری، ترجمه احمد آرام، چاپ اول: تهران، انتشارات خوارزمی، ۱۳۵۰.
۵. جوادی آملی، عبدالله، تفسیر موضوعی قرآن، ج ۶، (سیره انبیاء) چاپ اول: تهران، مرکز نشر فرهنگی رجاء، ۱۳۷۲.
۶. حسین طه، آئینه اسلام، ترجمه محمد ابراهیم آیتی، چاپ دوم: تهران، انتشارات رسالت، ۱۳۴۶.
۷. حمیدالله، محمد، رسول اکرم صلی الله علیه و آله در میدان جنگ، ترجمه سید غلامرضا سعید، چاپ دوم: تهران، انتشارات محمدی، ۱۳۵۱.
۸. زمخشری، جارالله، کشف، ج ۲، قم، انتشارات اسلامی، [بی تا].
۹. ژولین، فروند، آرا و نظریه‌ها در علوم انسانی، ترجمه علی محمد کاردان، تهران، نشر دانشگاهی.
۱۰. شریعتی، علی، اسلام شناسی، (مجموعه آثار)، ج ۲، چاپ اول: تهران، انتشارات قلم، ۱۳۵۷.
۱۱. صدر، محمد باقر، سنتهای تاریخی در قرآن، ترجمه جمال موسوی، چاپ اول: قم، انتشارات اسلامی، [بی تا].
۱۲. طباطبایی، سید محمد حسین، تفسیر المیزان، ترجمه محمد رضا صالحی کیرمانی، چاپ دوم: قم، انتشارات دارالعلم، [بی تا].



۱۳. \_\_\_\_\_، تفسیر المیزان، ترجمه محمدباقر موسوی همدانی، چاپ اول: تهران، انتشارات محمدی، ۱۳۴۷.
۱۴. عاملی، سیدجعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، چاپ اول: قم، انتشارات اسلامی، ۱۴۰۲ ق.
۱۵. علیپور، محمدعلی، «تاریخ، تعاریف و معانی»، مجله حوزه و دانشگاه، سال یازدهم، ش ۴۲، بهار ۱۳۸۴.
۱۶. فارسی، جلالت الدین، پیامبری و جهاد، چاپ اول: تهران، انتشارات مؤسسه انجام کتاب، ۱۳۶۲.
۱۷. کار، ای. اچ، تاریخ چیست؟، ترجمه حسن کامشاد، چاپ دوم: تهران، انتشارات خوارزمی، ۱۳۵۰.
۱۸. کالینگ وود، مفهوم کلی تاریخ، ترجمه علی اکبر مهدیان، چاپ اول: تهران، نشر اختران، ۱۳۸۵.
۱۹. مطهری، مرتضی، آشنایی با قرآن، چاپ اول: تهران، انتشارات صدرا.
۲۰. \_\_\_\_\_، انسان و سرنوشت، چاپ اول: تهران، شرکت سهامی انتشار.
۲۱. \_\_\_\_\_، جامعه و تاریخ.
۲۲. \_\_\_\_\_، محمد خاتم پیامبران، ج ۱، (مقاله از هجرت تا وفات دکتر شریعتی)، چاپ اول: تهران، انتشارات حسینیه ارشاد، ۱۳۴۷.
۲۳. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، چاپ اول: تهران، انتشارات دارالکتب الاسلامیه، [بی تا]:
۲۴. مهدی، محسن، فلسفه تاریخ ابن خلدون، ترجمه مجید مسعودی، چاپ اول: تهران، انتشارات بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۵۲.
۲۵. واقدی، محمدبن عمر، مغازی، ترجمه محمود مهدوی دامغانی، چاپ اول: تهران، مرکز نشر دانشگاهی.
۲۶. والش، مقدمه ای بر فلسفه تاریخ، ترجمه سیدضیاءالدین طباطبایی علایی، تهران، انتشارات امیرکبیر، [بی تا].
۲۷. یکتائی، مجید، تاریخ شناسی، چاپ اول: ۱۳۵۰.

نام تاریخ پژوهان / سال دوم و سوم، ش ۸ و ۹، زمستان ۸۵ و بهار ۸۶

